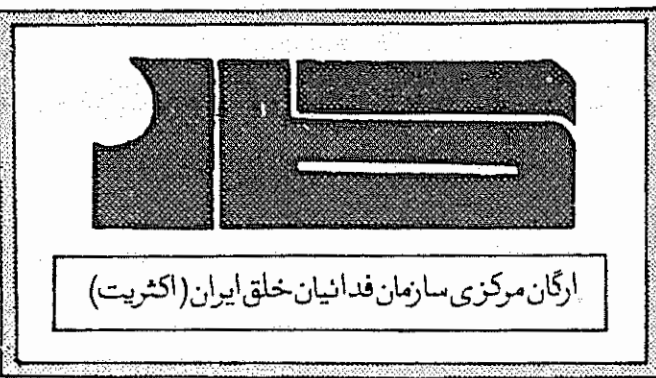


اجلاس اوپک: تثبیت موقت سقف تولید

کشورهای عضو سازمان کشورهای تولید کننده نفت (اوپک) در وین پایتخت اتریش تشکیل اجلاس دادند. کشورهای عضو اوپک در این اجلاس توافق کردند برای مقابله با کاهش قیمت نفت که قیمت رسمی آن به هر بشکه ۱۸ دلار کاهش پیدا کرده است، میزان تولید فعلی خود را در ۳ ماه آتی افزایش ندهند. با شروع بحران خلیج فارس کشورهای عضو اوپک تولید نفت خود را خودسرانه افزایش دادند. در خلال جنگ تولید بی رویه نفت باعث کاهش محسوسی در قیمت نفت شد. میزان تولید فعلی کشورهای عضو اوپک با میزان بقیه در صفحه ۲

لبنان: شدیدترین حمله هوایی اسرائیل از سال ۸۲

روز سه شنبه ۱۴ خرداد جنگنده های اسرائیلی برای دومین بار ظرف ۲۴ ساعت به جنوب لبنان حمله کردند. بانه این حمله حضور نیروهای فلسطینی در این منطقه بود اما وزیر خارجه اسرائیل در پاسخ به پرسشهایی در مورد حمله هفته گذشته گفت اسرائیل "بانگرانی" روند سلطه یافتن سوریه بر لبنان دنبال می کند. در حمله روز ۱۴ خرداد حداقل هفت تن کشته و بیش از ۳۵ نفر مجروح شدند. در میان کشته شدگان چهار کودک کوچکتر از ۶ سال دیده می شوند. مقامات لبنانی گفته اند حمله بقیه در صفحه ۹



چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۷۰، ۱۲ ژوئن ۱۹۹۱ دوره سوم شماره ۱۰

تعرض رفسنجانی و مقاومت تندروها ادامه دارد

* خامنه ای ضمن حمایت مجدد از رفسنجانی، پیشبرد سیاست خارجی وی را عملاً با مشکل مواجه کرد

* اقدامات سرکوبگرانه علیه تندروها روبه گسترش است

* محمد یزدی: اخلالگران در سیاستهای دولت محاکمه خواهند شد

بحران سیاسی حکومت اسلامی که پس از سخنرانی جنجالی هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه دو هفته پیش نمود آشکارتر یافت، ادامه دارد و جناحها و پاندهای حاکم را به مقابله و در رویی خشن تری با یکدیگر واداشته است. رفسنجانی در نماز جمعه ۴ خرداد به مخالفین تندرو خود در حکومت به نحوی بی سابقه حمله کرد و آنها را عامل اجرائ شدن برنامه های خود و اجرای نقشه های آمریکا معرفی کرد. بدنبال این سخنرانی حرکت گسترده ای در جهت پشتیبانی از سخنان رفسنجانی سازمان داده شد و نهادها، ارگانها و شخصیت های وابسته به جناح مسلط با انتشار بیانیه ها و ارسال تلگرام های پشتیبانی، جناح تندرو را تحت فشار فزاینده ای قرار دادند. هلی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی نیز در پیامی که بمناسبت دومین سالگرد مرگ خمینی منتشر کرده این حرکت پیوسته او در پیام خود با صراحت از رفسنجانی پشتیبانی کرد و او را یکی از چهره های برجسته جمهوری اسلامی و کسی که ۳۰ سال در این راه مبارزه کرده معرفی نمود. خامنه ای در این پیام خاطر نشان ساخت که کلیه تصمیم های دولت رفسنجانی با اطلاع و موافقت او صورت می گیرد و بار دیگر همگان را به پشتیبانی از دولت او فراخواند. این پیام بیانگر اتحاد خامنه ای -

رفسنجانی در جنگ قدرتی است که با شدت تمام در میان جناح های حکومتی ادامه دارد. خامنه ای در این جنگ تاکنون همواره - و در مواقع بحرانی با صراحت - جانب رفسنجانی را گرفته و از او در برابر جناح رقیب دفاع کرده است. اما پیام خامنه ای به نکته اساسی مورد نظر رفسنجانی پاسخی مورد قبول نداد. در حالی که رفسنجانی در سخنرانی سوم خرداد خود نه تنها جناح تندرو، بلکه بطور غیر مستقیم خامنه ای و سید احمد خمینی را نیز

مخالفت شدید تندروها با سیاست جلب سرمایه داران و متخصصین مقیم خارج عرصه تازه ای از درگیری را میان حکومتیان گشوده است. این مخالفت بویژه پس از سخنان سید احمد خمینی و انتقادات او به سیاست رفسنجانی در این مورد رو به حدت نهاد. صادق خلخالی در سخنرانی ۱۲ خرداد خود در مجلس شورای اسلامی سیاست بازگرداندن سرمایه داران و متخصصین را با شدتی فوق العاده محکوم کرد و گفت: تا وقتی زنده

اختلاف بر سر بازگشت سرمایه داران بالا گرفت

محتشمی: حزب الله برای جلوگیری از بازگشت طاقوتیان تا آخرین قطره خون خود را نثار خواهد کرد

مستقیم اجازه نخواهیم داد آمریکا و سرمایه داران به ایران برگردند. او تاکید کرد دادگاه های انقلاب هنوز اینجا هستند و اجازه نخواهند داد آنها بازگردند. صادق خلخالی سفر محسن نوربخش و هادلی به آمریکا و گفتگوی آنان با سرمایه داران ایرانی مقیم آمریکا را به باد حمله گرفت. چند روز پس از آن علی اکبر محتشمی یکی از رهبران حزب الله نیز در مصاحبه مطبوعاتی در تهران (۱۶ خرداد) سیاست بازگرداندن

رهبران کرد: سیاست آمریکا تقویت بغداد است

رهبران کرد نسبت به آینده مذاکرات با صدام حسین بدبینند



اکثر آوارگان کرد، خاصه از مرز ترکیه به کردستان عراق بازگشته اند. آنها همچنان بیم دارند که جنگ دیگری درگیرد و دوره رنج و فلاکت و آوارگی طولانی تر شود.

درگیری بین پیشمرگان کرد و گارد رئیس جمهوری در دوشهر شمالی عراق قتل گشته از سوی نیروهای دولتی و تعداد اعلام نشده ای کشته از سوی اجالی فیر نظامی به جا گذاشت. پس از یک سلسله درگیری پراکنده بین پیشمرگان و سربازان دولتی تانکهای ارتش عراق وارد شهر سلیمانیه شد. در شهر اربیل نیز درگیری های چندی صورت گرفت. نیروهای سازمان ملل در این شهر روند حوادث را "نگران کننده" ارزیابی می کنند.

سرمایه داران و متخصصین را محکوم کرد. سرمایه داران ایرانی خارج از کشور را جنایتکار و دست نشانده آمریکا خواند و گفت آنها پیش از فرار از ایران میلیارد ها دلار غارت کرده اند. وی گفت: حزب الله برای جلوگیری از بازگشت دست نشاندهان آمریکا و "سرمایه داران مزدور" تا آخرین قطره خون خود را نثار خواهند کرد. محتشمی در این مصاحبه به سفر نمایندگان کمپانی های نفتی آمریکایی به صنعتان، در جریان برگزاری سمینار بین المللی نفت و گاز - نیز بشدت حمله کرد و گفت آتازاده وزیر نفت باید توضیح دهد این امریکایی ها به چه مجوزی به ایران دعوت شدند؟ حزب الله در سطوح پایین و بویژه در میان دانشجویان نیز اقدامات اعتراضی پرشماری را در این زمینه سازمان داده است. پیش از اعلام مخالفت های خلخالی و محتشمی از جماعت بدستان

حزب الله، هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی در این باره گفته بود: ما همیشه از ایرانی های ساکن خارج دعوت کرده ایم که به میهن خود بازگردند. در این مصاحبه خاطر نشان ساخت بعضی از ایرانی های ساکن خارج نباید و نمی توانند به وطن مراجعت کنند. آنها متهم به جنایت هستند و باید در دادگاه حاضر شوند. رفسنجانی منظور خود از این "بعضی ها" را روشن ساخت. امکان بازگشت به ایران را همدتاً معطوف به "گروهی از ایرانیان متخصص و تحصیل کرده که ضد انقلاب هم بقیه در صفحه ۲

در شهر زاخو هزار نفر با شعارهای ضد صدام و طرفداری از حضور سربازان امریکایی در شمال عراق دست به تظاهرات زدند. انگیزه تظاهرات انتشار این خبر بود که نیروهای متعین قریبی در حال ترک زاخو هستند. پس از این که این خبر از جانب سخنگوی متعین تکذیب شد، اجالی آرامش خود را بازیافتند. بدنبال این تظاهرات صدها کودک به پاسگاه پلیس زاخو حمله بردند. نیروهای امریکایی توانستند مردم را از اطراف پاسگاه متفرق سازند.

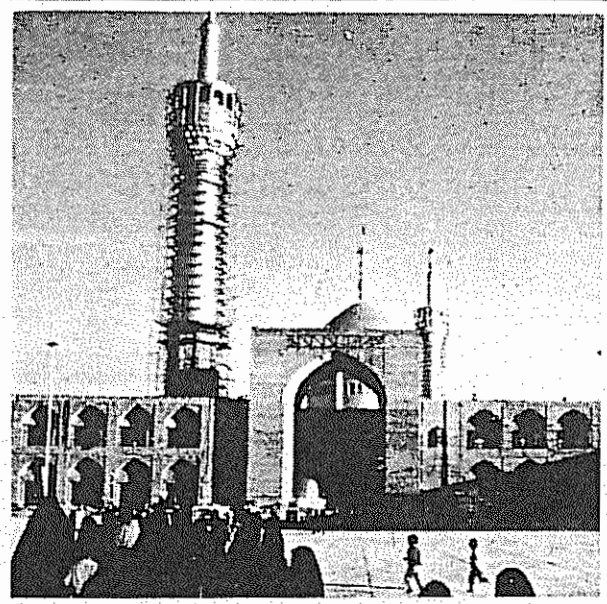
حوادثی از این دست به عنوان شاهدهی بر بدبینی شدید کردها نسبت به آینده مذاکرات رهبران احزاب کردی با دولت بغداد ارزیابی می شود. خود این رهبران نیز بدبینی خود را پنهان نمی دارند. جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق که پس از مذاکراتش با صدام گفته بود نسبت به وعده های صدام حسین تکریتی خوش بین است، چرا که او بعنوان یک ایلیاتی، زیر قولش نخواهد زد. در هفته گذشته نسبت به این که بتوان بقیه در صفحه ۲

بلوای بنیادگرایان اسلامی در الجزایر
زمینه ها و چشم اندازها
صنحه ۵

هندوستان در آزمونی حیاتی
صنحه ۱۰

جنگ خلیج فارس يك تن مهمات برای گشتن هر نفر

روایت جنگ، روایت تازه ای نیست. اما جنگ و قتل هام انسان های بیگناه با استفاده از پیشرفته ترین تکنولوژی در روزگاری که سخن از "انسانیت" و پیروی از "عقل سلیم" است، بیش از همیشه کریه، دردناک و امید فرسا می نماید. گزارش زیر هفته گذشته از سوی سازمان جهانی حفاظت از محیط زیست انتشار یافت. این گزارش با تکیه بر آمار، اسناد و منابع رسمی آمریکا، گوشه ای از ابعاد اعمال جنگ افروزان آمریکا علیه مردم منطقه خلیج فارس و عراق را افشا ساخته است. بنا به ارزیابی سازمان "گرین پیس" سازمان جهانی حفاظت از محیط زیست، همینات "طوفان صحرا" زیانبارترین و مخربترین جنگ تاریخ اخیر بوده است. این جنگ برخلاف گزارش رسانه ها نه تنها در چارچوب کشتار برنامه ریزی شده و بدون اشتباه کاخ سفید محدود نماند بلکه تلفات انسانی و زیستی بی سابقه ای به بار آورد. در نتیجه جنگ خلیج فارس ۱۵۰ هزار انسان به هلاکت رسیدند و حداقل بیش از ۵ میلیون نفر بی خانمان و بیکار شدند. بر اثر بمباران های هوایی حدود ۵ تا ۱۵ هزار غیر نظامی به خاک و خون فلتیدند و از نیروهای نظامی، ۲۰ هزار سرباز عراقی توسط نیروهای متعین کشته شدند. بنا بقیه در صفحه ۲



بودند. بنابر مصوبه مجلس، بودجه این مراسم مخفی و خارج از شمول دیوان محاسبات وزارت

روز چهارده خرداد مراسم دومین سالگرد خمینی در محل دفن او برگزار شد. از طرف جمهوری اسلامی برای برگزاری این مراسم از هفته ها پیش تدارکات گسترده ای سازمان داده شد. ۲۰ هزار مهمان خارجی به این مراسم دعوت شد. و همگی شرکت کنندگان در مراسم بمدت ۲ روز بیمه شده بودند. برای کشاندن هر چه بیشتر مردم طبق گزارش ها به اندازه ۴ میلیون نفر هدایا تهیه شده بود که بطور رایگان توزیع شد. تمامی وسایل حمل و نقل عمومی تهران جهت حمل و نقل مجانی شرکت کنندگان به نفع ستاد برگزاری این مراسم موقتاً معادله شد. قبل برگزاری مراسم دومین سالگرد مرگ خمینی، همه مسئولین رژیم بر حیاتی بودن برگزاری وسیع این مراسم برای جمهوری اسلامی تاکید کرده

یادداشت سیاسی

سیاست جنون آمیز تسلیحاتی در شرایط بیداد فقر و عقب ماندگی

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۳ خرداد، ارتقای رافاش ساخت که نشاندهنده سیاست جنون آمیز تسلیحاتی دولت اوست...

یک تن مهمات برای کشتن هر نفر

بقیه از صفحه اول... به گزارش رسمی، مجموع تلفات نیروهای متفق علیه عراق ۳۴۳ نفر است.

طی اشغال کویت، بین ۲ تا ۵ هزار نفر از شهروندان کویت جانشان را از دست دادند...

سازمان حفاظت از محیط زیست تاکید کرد، کاربرد تکنولوژی مدرن در تولید سلاح های مخرب، برخلاف تبلیغات نداشتن به "انسانی شدن جنگ" یاری نکرد بلکه نتیجه خلاف داشت...

سازمان ملل را فراهم آورند این درخواست از طرف اعضای اوپک با مخالفت روبرو شد...

رهبران کرد: سیاست آمریکا تقویت بغداد است

بقیه از صفحه اول

رومی و عده های دیکتاتور بغداد، حساب نمود، اظهار بدبینی کرد...

اختلاف بر سر بازگشت سرمایه داران بالا گرفت

بقیه از صفحه اول

ساخته و چندین بار مخالفت خود را با بازگشت "ضد انقلاب" بیان داشته است...



رژیم اسلامی با تبلیغات و تحریکات مداوم به بنیادگرایی اسلامی در جنوب عراق دامن می زند...

آیا خاورمیانه زیر سلطه مطلق غرب می رود؟

همواره اولویت بالاتری نسبت به منافع ملی دارد. ممکن است در مقاطع معینی، همسویی هایی میان منافع قدرت حاکمه و منافع ملی وجود داشته باشد...

بقیه از صفحه ۹... اما وجود این همسویی ها نباید از یاد ما برد که یک حکومت دیکتاتوری، هیچگاه مدافع خوبی برای منافع ملی نیست...

پیشگیری از آلودگی، تخریب محیط زیست در سطح جهان است. فعالیت عمده این سازمان بر جلوگیری از آزمایش سلاح های هسته ای، جاری ساختن مواد زائد شیمیایی و باران های اسیدی و ریختن زباله های اتمی در دریاهاست...

در طول روز، دمای متوسط شبانه را نشان می دهد. و صدها کیلومتر دورتر از چشمه های شعله جوی آتش، دوده و باران های اسیدی غیرمترقبه محیط زیست را می آلودند...

اجلاس اوپک:

تثبیت موقت سقف تولید

توافق شده در اجلاس قبلی هماهنگی ندارد. همانطوریکه انتظار می رفت تصمیم گیری در مورد تعیین سقف تولید اوپک به اجلاس آتی در ۳ ماه دیگر موکول شد...

کروبی خطاب به رفسنجانی :

شعری نگوئیم که در قافیه اش بمانیم !

با اینکه در سطح بالای رژیم جمهوری اسلامی تلاش برای کاستن از شدت درگیری جناحین حکومتی افزایش یافته است، حملات طرفین به یکدیگر همچنان ادامه دارد. از جمله اقداماتی که برای مهار دامنه درگیریها صورت گرفته حضور رفسنجانی و اعضای دولت وی در مجلس بوده است. در این دیدار رفسنجانی کوشید به انتقادات نمایندگان از سیاست خارجی و داخلی دولت پاسخ دهد. مطبوعات کشور که خبر این دیدار و گفتگو را منتشر ساخته اند از موارد بحثهایی که صورت گرفته چیزی ننوشته اند. آنها دیدار و مصاحبه مطبوعاتی مشترک رئیس جمهور و کروبی رئیس مجلس و سخنان تعارف آمیز طرفین را به طور برجسته ای بازتاب داده اند. با وجود اقداماتی از این دست مطبوعات کشور سرشار از اخبار مربوط به حمله و ضد حمله طرفین به یکدیگر است که همچنان ادامه دارد. سخنان جنجالی رفسنجانی در سوم خرداد ماه و تهدیدات او علیه جناح تندرو نه فقط باعث عقب نشینی این جناح نگردیده که خود بهانه تازه ای برای تشدید درگیری شده است. بلافاصله پس از سخنان رفسنجانی، کروبی در جلسه هفتم خرداد ماه مجلس به پاسخگویی پرداخت. وی بی آنکه نامی از رفسنجانی ببرد، سخنان وی را شعری نامید که در قافیه اش گیر کرده اند. وی با پذیرش برخی خطیها در گفتار

نمایندگان از کارکرد کل مجلس دفاع کرد و گفت: اگر صحبت نسنجیده را بخواهیم معیار بگیریم، اینقدر صحبت نسنجیده در نمازهای جمعه در طول این چند سال گفته شد که الهی ماشالله... بنا براین شعری نگوئیم که در قافیه اش گیر کنیم. رئیس مجلس همچنین در دیدار با اعضای "ستاد برگزاری مراسم ارتحال امام" خواستار پایبندی به خط امام شد. وی گفت در شرایط کنونی مسئولیت پیگیری خط امام را خامنه ای و احمد خمینی بر عهده دارند. حذف عمدی نام رفسنجانی و هم سطح قرار دادن احمد خمینی و خامنه ای دهن کجی آشکار کروبی به رئیس جمهور و بالا کشاندن فرزند خمینی است که خود سودای مقام ریاست جمهوری را دارد.

کروبی پیش از این نیز مخالفت خود را با تصمیم گیریهای فردی رفسنجانی ابراز داشته بود. وی در گفتگو با خبرنگار روزنامه فرانسوی فیگارو اظهار داشت که با وجود حضور در شورایی عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام از تصمیم گیریهای خبر است. وی به پرسش خبرنگار پیرامون سفر تریب الودع رفسنجانی به فرانسه چنین پاسخ داد: "... در مورد سفر با اینکه من با آقای هاشمی رفسنجانی جلسات مشترک هفتگی در شورای انقلاب فرهنگی، شورای امنیت ملی و شورای

تشخیص مصلحت نظام داریم در رسانه ها خواندم که ایشان دعوت شده اند... در این گفتگو کروبی همچنین کوشید مانع بهره گیری انحصاری رفسنجانی از ثمرات سیاست درست بیطرفی در جنگ خلیج فارس بشود و از وزن شعارهای ماجراجویانه دسته ای از سرکردگان جناح تندرو در بحبوحه جنگ بکاهد. وی به خبرنگار گفت که در جریان جنگ از هر دو جناح حکومتی کسانی خواستار مداخله به سود عراق بودند. کروبی افزود مثال

خالد بن ولید را - که محتشمی برای صدام حسین عنوان کرده بود - کسان دیگری نیز از آن جناح در نماز جمعه گفتند. در مجلس علاوه بر کروبی دیگر نمایندگان جناح تندرو به مقابله با رفسنجانی برخاسته اند. اینک هر جلسه هر صده سخنرانی این دسته از نمایندگان است که بی پروا تر از پیش و به نام از رفسنجانی انتقاد می کنند. مجالس آشتی کتان البته می تواند تا حدودی بر شکل درگیریها تاثیر بگذارد اما درگیری عمیق تر از آن است که باین تشبثات مهار شود.

تعرض رفسنجانی و مقاومت تندروها ادامه دارد

خلخالی دو تن از نمایندگان تندرو را به دادستانی اوین احضار کرده و مورد بازپرسی قرار داده اند. دفتر مرکزی تحکیم وحدت، جریان دانشجویی هوادار جناح تندرو، را اشغال و تعطیل کرده و به گفته بزدی رئیس قوه قضائیه در کار تعطیل دفاتر آنها در دانشگاهها هستند. ری شهری دادستان کل انقلاب را به بهانه مشغله ای که خامنه ای در امور حج برایش دست و پا کرده از سمت خود مستعفی کرده اند و فرد جدیدی را به جایش نشانده اند. رئیس قوه قضائیه، اعلام کرده است که قوه قضائیه با افرادی که بخواهند با سیاستهای دولت مخالفت کنند، بتواند مجرم برخورد خواهد کرد. طرفداران رفسنجانی در سخنرانیهای خود، امکان تعطیل روزنامه های مخالف دولت را پیش کشیده اند و هتشان در درجه اول روزنامه سلام به مدیریت موسوی خوئینی است. همه این اقدامات و اقدامات پر شمار پنهان و آشکار دیگر نشان آن است که باید مسلط در مبارزه با جناح رقیب پیش به شیوه های سرکوبگرانه روی میاورد و امکان مخالفت هلنی با دولت حتی در میان جناحهای حکومتی نیز محدودتر میشود.

بنیة از صفحه اول

برقراری مناسبات با امریکا شده است. سخنگوی وزارت خارجه امریکا در این مصاحبه اعلام داشته بود که برای برقراری مناسبات جمهوری اسلامی باید از تروریسم و گروگان گیری دست بردارد. هر چند شعارهای ضد امریکایی خامنه ای از سوی محافل سیاسی تاکنون کمتر جدی گرفته شده است اما مخالفت صریح وی با برقراری رابطه با امریکا تلاشی پنهان و آشکار رفسنجانی در این راستا را با موانع تازه ای مواجه کرد. رفسنجانی در جلب حمایت همه جانبه خامنه ای از سیاست خارجی خود در این مرحله نیز ناموفق ماند. چندی پیش رفسنجانی اعلام داشته بود که برای برقراری مجدد رابطه با امریکا دستور و تصمیم رهبر جمهوری اسلامی لازم است. خامنه ای در سخنانی که بر مزار خمینی ایراد کرده، سید احمد خمینی را نیز با جملاتی مشابه با آنچه در پیام خود در مورد رفسنجانی گفته بود، ستود. هاشمی رفسنجانی نیز در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی مجبور شد، این واقعیت را که در سخنرانی سوم خرداد خود سید احمد خمینی را نیز در نظر داشته است، تکذیب کند. بدین ترتیب در حالیکه بین رهبر و رئیس جمهور بر سر سیاست خارجی و در مرکز آن رابطه با امریکا اختلاف نظر وجود دارد و رفسنجانی نتوانسته است بر این امر صدمه پیروز شود، جناح مسلط در مورد اعمال فشار بیشتر بر جریان تندرو همچنان دارای وحدت است و پشتیبانی صریح خامنه ای از دولت رفسنجانی و شخص او، مقاومت تندروها را دشوارتر و اعمال فشارهای بیشتر و سرکوب آنها را تسهیل کرده است. رفسنجانی در سودای خروج به راه مردم قدرت و برقراری استبداد فردی، کار را از اعمال فشارهای همه جانبه و تنگ کردن میدان بر حریف فراتر برده و نخستین اقدامات سرکوبگرانه علیه آنها را آغاز کرده است. قربانعلی صالح آبادی و صادق

تندروها در برابر تعرض ائتلاف خامنه ای - رفسنجانی عقب ننشسته اند و به مخالفت و حملات متقابل ادامه می دهند. دوروز بعد از سخنرانی رفسنجانی، کروبی رئیس مجلس در جلسه روز یکشنبه خرداد، به سخنان او پاسخ داد و انتقادات و اختلافات را واقعی خواند. او در مصاحبه با نشریه "ژون افریک" ضمن آنکه خود را از جناحهای موجود میرا دانست، رابطه با امریکارابه شدت مردود دانست و در مصاحبه با نشریه فرانسوی "فیگارو" مدعی شد که حتی تصمیماتی مهم چون سفر رفسنجانی به فرانسه بدون اطلاع او که رئیس مجلس، عضو شورای عالی امنیت ملی و عضو مجمع تشخیص مصلحت است، گرفته میشود. نمایندگان وابسته به جناح تندرو در مجلس به

مباحثه برادرانه !

دیروز بعد از تظنق قبل از دستور آقای موحدی ساوجب نماینده ساوه مجلس متشنج شد. وی هنگامیکه از تریبون پائین آمد. بسیار عصبانی و احساساتی بنظر می رسید. و با چهره ای برافروخته خطاب به نمایندگان جناح مقابل می گفت: من پدر همه تان را در می آورم، که با اعتراض هادی غفاری نماینده تهران مواجه شد. آقای موحدی که همچنان برافروخته و ملتهب بود جملات بسیار رکبکی که در شان یک مسلمان نبود به پدر آقای غفاری (مرحوم آیت الله شهید غفاری) نسبت داد. که بلافاصله غفاری خطاب به رئیس مجلس گفت: آقای موحدی به پدرم فحاشی می کند، در این هنگام آنجناب جملات زنده ای از ناحیه نماینده ساوه نثار نمایندگان جناح مقابل می شد که آقایان موحدی کرمانی و شیبانی و اداربه ساکت کردن آقای موحدی شدند. لازم به ذکر است که پس از سخنان توهین آمیز نماینده ساوه، صالح آبادی طبق ماده ۷۷ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تذکر آیین نامه ای داد.

هادی غفاری نماینده تهران پیرامون سخنان آقای موحدی گفت: وی در تظنقش شدیداً شهردارها را مورد خطاب قرار داد... و دلیل اعتراض وی اینست که شهرداری چون پروانه ساخت منزل تازه ساز بتمی که در تقاطع اتوبان شهید صدر و شهید مدرس می باشد را صادر نکرده است، امروز آقای موحدی در تظنق خود اینچنین شهردار تهران را مورد انتقامجویی قرار داد...

لازم به ذکر است که منزل آقای موحدی دارای ۷۰۰ متر زیر بنا و ۴ طبقه می باشد و طبق اظهار موق منزل مسکونی وی ارزشی بالغ بر ۵۰ میلیون تومان دارد.

روزنامه سلام ۲۵ اردیبهشت

لزوم اقدامات مشترک و پر دامنه اعتراضی

سفر آتی ماشی رفسنجانی به کشورهای اروپایی چه در حکومت جمهوری اسلامی و چه در میان مخالفین آن با حساسیت و توجه ویژه ای توأم شده است. از هم اکنون بحث های گسترده ای در طیف اپوزیسیون دموکرات و ترقی خواه ایران در خارج از کشور پیرامون چگونگی برخورد باین سفر آغاز شده است.

ما همانگونه که قبلا نیز اعلام کرده ایم نه باصل برقراری رابطه بین دولت ها مخالفیم و نه خواهان ادامه انزوای جمهوری اسلامی هستیم. خواست ما این است که این مناسبات، مناسباتی منطبق بر اصل تامین منافع ملی ایران و مفید برای پیشرفت جامعه باشد. پیوسته که جمهوری اسلامی بدلائیل بسیار نمی تواند پاسدار پیگیری منافع ایران و مدافع حقوق ملی و مردمی در این راستا باشد و از این رو به اعتقاد ما این مناسبات باید هلنی و آشکار باشد تا بتواند مورد به مورد در معرض قضاوت قرار گیرد. هلنیت مناسبات و سیاست خارجی امکانات رژیم را در سوء استفاده از موقعیت خود برقراری روابطی ضد ملی و خائنه محدود می سازد.

آنچه که ما از دولت های دیگر می خواهیم، این است که برقراری مناسبات با جمهوری اسلامی به فراموشی حقوق بشر و سرکوب دموکراسی در ایران نیانجامد و فشار های بین المللی به جمهوری اسلامی در این زمینه ادامه یابد. از هم اینک و با آشکار شدن نخستین نشانه های سودهای فراوان سهمیم شدن در بازسازی ایران، حقوق بشر در ایران از سوی دولت های مدعی حقوق بشر به فراموشی سپرده شده است. نشانه تلخ و بارز این واقعیت سفر رولان دوما وزیر خارجه فرانسه به تهران است. او که پیش از این از چین دیدار کرده و در آنجا حمایت حقوق بشر و دموکراسی را مطرح ساخته بود، در ایران نه تنها پیرامون این موضوع سکوت کرد، بلکه حتی در دفاع از حکومت اسلامی مدعی شده که در تهران "تیمان مین" وجود ندارد!

بر اساس این دیدگاه عمومی ما مدافع و موافق آن هستیم که در جریان سفر رفسنجانی به کشورهای اروپایی، اعتراضاتی هر چه گسترده تر برپا گردد و اپوزیسیون دموکرات ایران بتواند با سیاستی واحد دامنه این اعتراضات را وسعت بخشد.

اگر هدف از این اعتراضات روشن شود، آنگاه می توان به بسیاری از بحث های پایان ناپذیر نیز پایان داد و اقدامات را هماهنگ ساخت. بر کسی نیاید پوشیده باشد که هر اقدام اعتراضی که در اروپا صورت می گیرد، هدف اساسی اش جلب افکار عمومی این کشورها و تحت فشار قرار دادن دولتمردان اروپایی است و نه پیروزی خطی یک سازمان سیاسی بر سازمان سیاسی دیگر! بر همین اساس - به اعتقاد ما - باید گسترده ترین اعتراضات را حول شعار پایان دادن به سرکوب دموکراسی و رعایت حقوق بشر در ایران یعنی موارد قبول ترین و منطقی ترین شعار و خواسته در اروپا سازمان داد، اقدام عمومی قریب را متوجه واقعیت جامعه ایران و جنایات حکومت و از جمله شخص رفسنجانی ساخت و به دولت های اروپایی میزبان وی فشار آورد که در مذاکرات خود با رئیس حکومت اسلامی و مناسبات آتی خود با این رژیم خواست رعایت حقوق بشر در ایران را با پیگیری بیشتری مطرح سازند و از آن دفاع نمایند.

ما ضمن استقبال از شرکت در هر حرکتی که در این راستا صورت گیرد، موضع گیری اپوزیسیون دموکرات ایران و تحرک سیاسی آن در این جهت را دارای اهمیت بسیار می شناسیم و به سهم خود در تلاشهایی که برای حرکت مشترک گروهها و سازمان های سیاسی - و از جمله سازمان های سیاسی چپ - صورت می گیرد، شرکت می کنیم. هر چقدر سازمان های سیاسی بتوانند موضعی هماهنگتر، اقدامی مشترک تر و تحرکی بیشتر نشان بدهند، حرکت اعتراضی علیه سرکوب دموکراسی در ایران دامنه ای وسیع تر و پراهمیت تر خواهد یافت و امکان بند و بست دول اروپایی با رئیس حکومت اسلامی و معامله بر سر حقوق بشر نیز محدودتر خواهد گردید.

ما ضمن اهمیت دادن به اقدام مشترک گروه های سیاسی اپوزیسیون که تأثیری فراوان، از جمله در داخل کشور، دارد حرکت اعتراضی، به ویژه در اروپا راه به سازمان های سیاسی محدود نمی دانیم. به نظر ما این اقدامات اعتراضی باید به گونه ای سازمان داده شود که طیف هر چه وسیعتری از ایرانیان مقیم خارج را در برگیرد و همه هم میثانی که به نوبت قربانی سرکوب دموکراسی و حقوق بشر در ایران بوده اند، بتوانند در آن شرکت کنند. لازمه این کار، برخورد دموکراتیک، صادقانه، بدون از گرو و گریزی و مؤمن نسیم است. اعتراض به سرکوب دموکراسی در ایران در موقعیتی مناسب، چون سفر رفسنجانی، بسیار پراهمیت تر از آن است که بخاطر اینگونه برخورد ها تضییع ویرانکننده شود.

سخنان و حملات خود علیه دولت رفسنجانی و به ویژه شخص او صراحت بیشتری داده اند و به همان نسبت که فشارهای بیشتری را بر خود حس می کنند حملاتشان تندتر می شود. صادق خلخالی از جمله نمایندگانی بود که پس از سخنرانی رفسنجانی در ۳ خرداد او را به شدت به باد انتقاد گرفت و سیاستهایش به ویژه در مورد بازگشت سرمایه داران فراری را محکوم کرد. خلخالی گفت سخنان رفسنجانی برای خود شیرینی و پیروزی در انتخابات آینده است.

کانون مبارزه، انتخابات مجلس چهارم است. طرفداران رفسنجانی هلنا اعلام می کنند که اگر مجلس چهارم پشتیبان دولت نباشد، همه برنامه ها و از جمله برنامه ۵ ساله اجرا نخواهد شد و

انتخابات نظام پزشکی برگزار می شود

پزشکان کشور، دکتر شیبانی را در راس دستگاه نظام پزشکی نشانند. اکنون که رژیم تلاشهایش را برای جذب پزشکان ایرانی متقیم خارج پی می گیرد نمی تواند نسبت به حق اولیه و بدیهی پزشکان مبنی بر داشتن سهم در گزینش رهبری نظام پزشکی بی اعتنا بماند. رژیم امیدوار است با تکیه بر مقررات مجدود کننده مندرج در قانون تازه نظام پزشکی کنترل خود را بر این ارگان همچنان حفظ کند. نتایج انتخابات مردادماه نشان خواهد داد که رژیم در جهت جلب و جذب متخصصین تا چه حد قادر است از قید و بندهای تنگ نظرانه اش بکاهد و به حداقل حقوق صنفی آنان تمکین کند.

به گفته وزیر بهداشت و درمان انتخابات نظام پزشکی کشور در روز ۱۱ مرداد برگزار خواهد شد. این انتخابات بر اساس قانون تازه نظام پزشکی صورت می گیرد که در زمان بررسی و تصویب با مخالفت پزشکان روبرو شده بود. سازمان نظام پزشکی کشور به عنوان یک سازمان مستقل صنعتی با نهاد و دشمنی رژیم اسلامی روبرو بود. چندسال پیش رژیم همراه با برپایی موج گسترده ای از تبلیغات سوء علیه این تشکل و هتاک و نحاشی علیه پزشکان کشور، عده ای از اعضای هیات مدیره نظام پزشکی را دستگیر کرد. در پی آن وزارت بهداشت خودسرانه و با وجود مخالفت

بدهی های خارجی جمهوری اسلامی

میزان بدهی ایران به بانک های خارجی تا پایان سال گذشته میلادی به ۳ میلیارد و ۶۶۴ میلیون دلار رسید. این خبر را بانک بین المللی تسویه حساب های مالی در اختیار رسانه ها قرار داده است. در چند ماهه اخیر بر مبلغ فوق میلیاردی دلار و ام تازه ای که از بانک های فرانسوی و ایتالیایی و دیگر کشورها گرفته شده، افزوده شده است. در گزارش بانک موزون هم چنین آمده است که سپرده های خارجی دولت جمهوری اسلامی در پایان سال ۹۰ مبلغ ۶ میلیارد و ۶۹۰ میلیون دلار بود.

دستگیری های تازه در خوزستان

ساواک رژیم جمهوری اسلامی وزارت اطلاعات - طی اطلاعیه ای اعلام داشت اعضای گروهی بنام "مهاجرین خلق" دستگیر شده اند. اطلاعیه می گوید این گروه در سال ۱۳۵۸ تاسیس شد و در شهرهای شمالی خوزستان فعالیت داشت. به ادعای وزارت اطلاعات این گروه سازمانگر اعتصاب و تظاهرات محصلین شهر شوش در سال ۵۸ بود. اطلاعیه حاکی است که اعضای این گروه از نضرات سپاه و کمیته و دیگر ارگان های وابسته به رژیم بوده اند.

عملیات مسلحانه در کتابخانه نیوران

به نوشته روزنامه سلام در روز ۲۱ اردیبهشت تعداد زیادی افراد مسلح که خود را وابسته به حفاظت سپاه مصرنی می نمودند، واحد حراست کتابخانه کاخ نیوران را خلع سلاح کردند و کتابخانه را به اشغال خود درآوردند. به گفته فرمانده این عملیات، این اقدام بدستور مستقیم معاون رئیس جمهور صورت گرفته است. عملیات اشغال کتابخانه در حالی صورت گرفت که رئیس کتابخانه در حین مذاکره با یک هیات فرانسوی بود. روزنامه سلام اظهار نظر کرده است که این عملیات به این خاطر صورت گرفت که دکتر لاریجانی معاون پیشین وزارت خارجه چند اتاق این کتابخانه را در اختیار خود گرفته بود.

نماینده مجلس: دولت از سیاست بیطرفی عدول کرد

صالح آبادی نماینده مجلس اعلام داشت که دولت رفسنجانی از سیاست بیطرفی دست کشیده است. وی که همراه با مهاجرانی معاون رئیس جمهور در جمعی از دانشجویان سخن می گفت از سیاست بیطرفی ایران در جریان جنگ خلیج فارس دفاع کرد. وی در ادامه این گفتگو افزود ولی دولت رفسنجانی در پایبندی به بیطرفی ناپیگیر ماند و با سمت گیری علیه عراق به منافع ملی ما آسیب وارد ساخت. به گفته صالح آبادی توقف مذاکره ایران و عراق پیرامون اجرای قطعنامه و عدم دستیابی به قرارداد صلح نتیجه عدول دولت رفسنجانی از سیاست بیطرفی است.

نماینده مجلس: در زندانها با شکنجه اعتراف می گیرند

همچنین در برخی محاکم بدون حضور وکیل و یا هر ناظر دیگری متهمان را محاکمه می کنند. موسوی تبریزی وجود شکنجه در زندان های ایران را بدینگونه مورد تایید قرار داد که "اقرار گرفتن با اجبار و تهدید و اعمال فشار" صورت میگیرد. وی در سخنان خود آزادی بیان و قلم را از ضروریات خدشه ناپذیر جامعه نامید.

موسوی تبریزی نماینده تبریز در مجلس افشا کرد که نمایندگان مخالف در مجلس را تهدید کرده اند که در اوین زندانی خواهند شد. وی این اظهارات را صحنه شکنجه شدیدالحن در مجلس بیان داشت. وی هم چنین با انتقاد از توه قضاییه گفت وزارت اطلاعات و دادسرا خودسرانه و بدون وجود مجوز قضایی به دستگیری های بی مورد و مقررانه اقدام می کند و

ارقام گویا از سقوط اقتصادی کشور

سیاست های اقتصادی دولت میرحسین موسوی و جا انداختن مشی اقتصادی دولت رفسنجانی است. گفتنی است که بسیاری از همین مسئولین و از جمله رفسنجانی در طی سال های دولت موسوی و سال های جنگ از پیشرفت هایی که نصیب مملکت شده است صحبت می کردند.

اکنون چندی است که مسئولین دولتی و مطبوعات کشور حقایقی از میزان سقوط اقتصاد کشور در سال های استقرار رژیم جمهوری اسلامی را اعلام می دارند. از جمله انگیزه های آنها در این کار، تضعیف جناح مقابل از طریق افشای آثار ویرانگر

جدول زیر بر اساس اطلاعاتی تنظیم شده است که روزنامه کیهان در همین راستا درج کرده است

نسبت سرمایه گذاری به محصول ناخالص ملی	سال ۱۳۵۶	سال ۱۳۶۷
تولید سرانه ناخالص ملی (به قیمت ثابت سال ۵۳)	۱۱۲۰۰ تومان	۵۵۵۰ تومان
هزینه مصرف سرانه	۵۳۰۰ تومان	۳۴۰۰ تومان
بودجه سرانه دولت	۴۳۰۰ تومان	۱۲۴۰ تومان
کسری بودجه	۳۶/۵ میلیارد تومان	۲۱۴/۶ میلیارد تومان
نرخ بیکاری	(سال ۵۵) ۷/۱%	(سال ۶۵) ۱۴/۱%

افزایش بهای لبنیات

در ادامه افزایش بهای کالاها، بهای شیر و دیگر فراورده های لبنی نیز افزایش یافته است. هلت افزایش بهای تصمیم دولت مبنی بر حذف سوبسید برای حمایت از مصرف کننده است. کلیشه ای که در زیر مشاهده می کنید نامه یکی از خوانندگان روزنامه اطلاعات است.

اخرار در نعره توزیع شیر تغییراتی داده شده و عرضه آن به صورت آزاد در آمده است. در صورتی که قبل از آن، شیر به بهاران و نرزانان توسط شرکتهای محلی توسط کارت مخصوص ارائه می شد و مستند خانواده هایی به بضاعت که قدرت خرید شیر را به صورت آزاد ندارند و از طرفی در سابق به خانواده های عائله مند چند نفر هم کارت شیر داده می شد که آن هم لغو شده است. لذا از آن جایی که اکثر خانواده های عائله مند را افراد بی بضاعت تشکیل می دهد و اکثر هم کارگر هستند و نیاز مبرمی به شیر دارند، از مسئولین مربوطه تقاضا می شود تجدید نظری در این باره به عمل آورند. تهران - قدرتی

جنگال آفرینی تازه

روزنامه کیهان علیه هنرمندان

حضور سیمین بهبهانی شاعر معاصر در مراسم شعر خوانی دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد، بهانه تازه روزنامه کیهان برای دامن زدن به هنرستیزی شده است. مسئولین این روزنامه که اکنون پیشاپیش تدارکشان ضد فرهنگی حرکت می کنند، دانشگاه آزاد را بخاطر برپایی این شب شعر مورد حمله قرار داده اند. این روزنامه هم چنین مقاله ای از سوی عده ای از دانشجویان حزب الهی در هتاکی به سیمین بهبهانی به چاپ رسانده است. در پی این جنگال رئیس دانشگاه آزاد قول داد که از این پس از اینگونه هنرمندان دعوت به عمل نخواهد آمد.

دیدار وزیر خارجه عربستان از تهران

در زمینه بسیاری از موارد مورد گفتگو، طرفین بجای توضیح و تشریح موارد گفتگو و توافقهای انجام شده، به تعریف از یکدیگر پرداختند. هاشمی رفسنجانی پس از دیدار با وزیر خارجه عربستان گفت: زمینه های فراوانی برای افزایش همکاری میان دو کشور مقتدر خلیج فارس وجود دارد که بسود هر دو کشور منطقه خواهد بود. هلی اکبر ولایتی نیز سفر سعودالفیصل را سازنده خواند و افزود که به ویژه بحثهای اقتصادی بسیار مفید بود و در آینده نیز در این زمینه (روابط اقتصادی) اقداماتی صورت خواهد گرفت. وزیر خارجه عربستان دیدار خود از تهران را "پر خیروبرکت" خواند و گفت عربستان امیدوار است روابط خود با تهران را گسترش بخشد. وی در جریان دیدار خود با رفسنجانی، دعوت ملک فهد پادشاه عربستان را برای دیدار رئیس حکومت اسلامی از آن کشور، به وی تسلیم کرد. از پاسخ رفسنجانی به این دعوت هنوز اطلاعی منتشر نشده است.

امیر سعودالفیصل وزیر خارجه عربستان سعودی که هفته گذشته به قصد یک دیدار دوازده روزه وارد تهران شده بود، روز ۵شنبه به سفر خود پایان داد. سعودالفیصل در تهران با هاشمی رفسنجانی و هلی اکبر ولایتی دیدار و گفتگو کرد. در جریان این دیدارها مسائل متعددی مورد بررسی قرار گرفت. دو جانبه، همکاری های جمهوری اسلامی و عربستان در سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان ملل متحد و اوپک، مناسبات جمهوری اسلامی با شورای همکاری خلیج فارس، مسایلی که امنیت دو کشور را تهدید می کند، مسایل مربوط به امنیت منطقه و آینده افغانستان از جمله موضوعات مورد گفتگو طرفین بود. هیچ کدام از مقامات دو طرف، در مورد جزئیات گفتگوها توضیحی ندادند. بخش عمده ای از گفتگوها به مسائل مربوط به امنیت منطقه اختصاص یافت و در این میان تهدیدات مشترک علیه امنیت دو کشور جای ویژه ای

چند خبر کوتاه

- فاضل هندی سرپرست هیات های واگذاری زمین گفت تاکنون یک میلیون و ۴۵۰ هزار هکتار زمین در اختیار ۲۰۰ هزار خانوار کشاورز قرار گرفته است.
- تبر اساس آمار شرکت مخابرات، کشور ما از نظر ضریب نفوذ تلفنی (تعداد تلفن به نسبت صد نفر جمعیت) در میان ۱۳۵ کشور جهان مقام نود و سوم را داراست.
- در پاییز سال جاری نشست مشترک سران سه کشور عضو ا.ک.و. ایران، ترکیه و پاکستان برگزار خواهد شد. این تصمیم در اجلاس اخیر شورای وزیران ا.ک.و. اتخاذ گردید.
- اصفهان در شهریور ماه سال جاری شاهد برگزاری کنگره ای خواهد بود که به مناسبت چهار صدمین سال گزینش این شهر به عنوان پایتخت، برپایی شود.
- شهر زواره در پی ورزش بادشیدی که فبار سیاه به همراه داشت، در تاریکی کامل فرو رفت.
- تبریز برف در ارتفاعات تهران و آذربایجان شرقی که در خردادماه رویداد بیسابقه ای است، مردم این مناطق را فاشلگیر کرد. در تهران مناطق میگون، شمشک و در بندر با برفی به ارتفاع ۱۰ سانتیمتر سفیدپوش شد. بارش برف خساراتی به محصولات کشاورزی و دام ها وارد ساخت.

بلوای بنیادگرایان اسلامی در الجزایر

زمینه‌ها و چشم اندازها

بدین ترتیب احساسات مردم را تحریک نموده و آتش جنگ بر سر قدرت را تیز کند. علی‌رغم شکست تاکتیکی اعتصاب عمومی، جبهه نجات اسلامی پس از برقراری حالت فوق‌العاده در کشور نیز خواهان تداوم اعتصابات شد. از این فراخوان تا زمان تنظیم این نوشته (۱۸ خرداد) استقبال چندانی بعمل نیامده است. تنها در نهادهای وابسته به شهادتیه اختلالات عمده دیده می‌شود، و این بدلیل نفوذ فائده‌جویان بنیادگرا در شوراهای شهرهاست.

این جریان‌ها تضعیف کند. آنها به کار اجتماعی و فرهنگی رو آورده و فعالیت سیاسی خود را بر شبکه وسیعی از روابط خدمات اجتماعی و نهادهای فرهنگی و مذهبی متکی ساخته بودند. پایگاه عمده جریانهای اسلامی در الجزایر همچون بقیه کشورهای اسلامی در میان نیروهای است که از ساختار سنتی جامعه بدلیل فروپاشی تدریجی این ساختار، کنده شده‌اند، بی‌آنکه در ساختارهای نوین جایگاهی بیابند. در فاصله سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۳ درصد شاقین در بخش کشاورزی از ۵۷ درصد به ۲۷ درصد رسیده است. در این فاصله نه روستاها آن چنان رشد اقتصادی داشته‌اند که بتوانند

در الجزایر حالت فوق‌العاده اعلام گردیده است. در الجزیره و چند شهر شمالی کشور بین ساعات ۳ و ۳۳ رخت و آمد در خیابانها ممنوع است. در سرتاسر الجزایر اعتصاب، تظاهرات و اجتماع ممنوع اعلام شده است. کابینه مولود جمره استعفا داده و شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر سید احمد قرالی را که در کابینه پیشین وزیر خارجه بوده، مأمور تشکیل کابینه جدید کرده است. انتخابات مجلس که قرار بود در ۲۷ ماه ژوئن برگزار گردد، به تعویق افتاده است. همه این رویاها پی آمد بلوایی است که بنیادگرایان اسلامی در الجزایر برپا کردند. نیروی اصلی بنیادگرایان حزب نجات اسلامی است. این حزب در اواخر ماه مه دعوت به اعتصاب عمومی کرده بود تا دو خواسته تغییر قانون انتخابات مجلس و برگزاری همزمان انتخاب رئیس جمهوری با انتخابات مجلس را به کرسی بنشانند.

به نظر جبهه نجات قانون انتخابات و نحوه تقسیم نمایندگان به گونه‌ای از جانب حزب حاکم "جبهه آزادی بخش ملی" دیکته شده که به نفع این حزب تمام می‌شود و در مورد احزاب اسلامی حق کسبی می‌کند. جبهه نجات که انتخابات شهادتیه را در سال گذشته بیشترین آرا را به خود اختصاص داده بود در شوراهای شهرها اکثریت دارد. در این گمان است که در انتخابات مجلس نیز چنین موقعیتی به دست خواهد آورد. جبهه نجات برای آنکه به زعم خود در انتخابات، کل حاکمیت را به چنگ آورد و در الجزایر یک حکومت جمهوری اسلامی برپا کند علاوه بر تغییر قانون انتخابات خواهان آن نیز هست که شاذلی بن جدید کناره گیرد و همزمان با انتخابات مجلس رئیس جمهور نیز انتخاب شود. اعتصاب عمومی‌ای که از جانب جبهه نجات برای رسیدن به این خواسته‌ها در ۲۵ ماه مه اعلام شده بود، مورد استقبال مردم قرار نگرفت. کارگران الجزایری فراموش نکرده بودند که جبهه نجات فراخوان سندیکاها به اعتصاب در ماه مارس را که در اعتراض به قیمت‌ها و کمبود دستمزدها بود، تحریم کرده بود. این بار اکثر کارگران و کارمندان اعتصاب برپا شده از جانب جبهه نجات را تحریم کردند.

جبهه نجات اسلامی پس از این که پی برد فراخوان به اعتصاب عمومی با شکست مواجه شده تصمیم به درگیری خیابانی گرفت تا انتخابات مجلس - که دیگر نمی‌شد بر روی پیروزی در آن حساب کرد - به تأخیر بینند. نمایش‌های خیابانی برپا شده از سوی جبهه نجات در هفته گذشته با واکنش خشن پلیس و ارتش مواجه شد. حدود ۴۰ نفر کشته شده، حدود ۷۰۰ نفر زخمی گردیده و عده کثیری دستگیر شدند. جبهه نجات در پی واکنش شدید دولت هواداران خود را ظاهر به آرامش فرا خواند. این آرامش دیرپا نیست. جبهه نجات به شورش رو آورده تا کشته و زخمی دهد،

جدید، که در اساس وظیفه پایان دادن به "سوسیالیسم" در الجزایر را بر عهده دارد، قادر خواهد شد مشکلات اقتصادی کشور را، در ظاهر امر هم که شده، بدان صورت و با آن سرهتی حل کند که مسئله گرانی و بیکاری را مهار نماید. بحران هویت فرهنگی نیز به جای خود باقی است. سیاست هری کردن - که یک وجه آن ستم به اهالی بربر در کشور بود (۲۰ درصد اهالی) - در حمل آب به آسیاب بنیادگرایان ریخته و تامین کننده یک هویت روشن هری الجزایری نبوده است. این سیاست به عنوان یک واکنش ناسیونالیستی در برابر فرانسوی مشربی استعماری قادر نبوده است چاره ساز مساله



در خیابانهای الجزیره تانک و زره پوش مستقر شده است

اعتراض به بیکاری و گرانی مایحتاج عمومی صورت گرفت. شورش ۱۹۸۸ زنگ خطر را برای حکومت انحصاری "جبهه آزادی بخش ملی" به صدا درآورد. رژیم در سیاست‌های اقتصادی خود که بر پایه عنوان "سوسیالیستی" نهاده می‌شد تجدید نظر کرد، فعالیت‌های انحصاری دولت در عرضه اقتصاد را محدود کرد و به سرمایه‌ها و ابتکارهای خصوصی میدان داد. در عرضه سیاسی، سیاست لیبرالی‌زاسیون گام به گام پیش گرفته شد. ابتدا احزاب سیاسی آزاد اعلام شدند و بعد وعده داده شد که به دنبال برگزاری انتخابات مجلس، به حاکمیت تک حزبی "جبهه آزادی بخش ملی" که از زمان استقلال الجزایر (۱۹۶۲) تاکنون قدرت سیاسی را به صورت انحصاری در دست خود داشته، پایان داده شود.

به دنبال آزادی احزاب حدود ۴۰ دسته و گروه و حزب اعلام موجودیت کردند. از میان این گروه‌ها جریان‌های اسلامی از همه نیرومندتر بودند. بسیاری از آنها عملاً پیش تحت عنوانهای دیگری موجودیت داشتند. ضربی‌ای که رژیم در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ بر جریان‌های بنیادگرا وارد کرده بود (به صورت دستگیری نسبتاً وسیع مسلمانان رادیکال)، نتوانسته بود

گرایش بخشی از جمعیت به تقلید از شیوه زندگی غربی باشد. بنیادگرایان بر شدت بحران فرهنگی و اجتماعی افزوده‌اند. از ترس قدرت گیری مسلمانان سنتی تعداد کثیری از زنان الجزایری به فرانسه مهاجرت کرده‌اند. سنت‌گرایی و تجدطلبی نبرد سنگینی را پیش می‌برند.

بنیادگرایان در میان کارگران صنعتی، کشاورزان باسواد و متخصص، کارمندان، نظامیان و روشنفکران پایگاه ضعیفی دارند. در میان این اقشار، خاصه در میان کارمندان و نظامیان، "جبهه آزادی بخش ملی"، دارای نفوذ و اعتبار بالایی است. بنیادگرایان نه توانایی آرا دارند که از طریق شورش و طغیان به قدرت برسند و نه آنقدر نیرومندند که حتی در صورت کسب اکثریت آرا در یک انتخابات، ماشین دولتی را کاملاً به تصرف خود درآورند. آنها تاکنون در نبرد قدرت شکست خورده‌اند، اما این بدان معنی نیست که به سادگی چشم از عرضه قدرت برمی‌گیرند. نبرد الجزایر، برای کل جو سیاسی آفریقای شمالی، نبردی تعیین کننده است. اگر بنیادگرایان در الجزایر به قدرت می‌رسیدند، موجی از اسلام‌گرایی در مغرب هری به راه می‌افتاد و از آنجا به سوی خاورمیانه سرازیر می‌شد. مهار شدن این موج برای بنیادگرایان یک ضربه سیاسی و روانی بزرگ است.

فرهنگنامه روز

احزاب اسلامی در الجزایر

در انتخابات شهادتیه در الجزایر که در ژوئن ۱۹۹۰ برپا شد احزاب اسلامی اکثریت آرا را بدست آورند. رشد آنها، در حالی که کمتر از ۲ سال از زمان موجودیت و فعالیت قانونی آنها می‌گذشت، باعث شگفتی شد و بعنوان برآمد تازه‌ای از موج اسلام‌گرایی در منطقه تفسیر گردید. این احزاب خود تبلیغ می‌کردند که در انتخابات مجلس که پیش از حوادث اخیر در الجزایر قرار بود در ۲۶ ماه ژوئن برگزار شود - قدرت را به چنگ خواهند آورد و یک رژیم اسلامی برپا خواهند نمود. با این که حوادث چند هفته گذشته، بویژه ناکام ماندن اعتصاب عمومی فرخوانده شده به توسط حزب نجات اسلامی الجزایر و توانایی دولت در مهار بلوای بنیادگرایان، ثابت کرد که در مورد حد قدرت این احزاب فلو شده و الجزایر کشوری نیست که مستعد پذیرش یک رژیم اسلامی باشد، با این وجود مسئله بنیادگرایان تا مدت‌ها مسئله اصلی سیاسی در الجزایر باقی خواهد ماند و بر روی جو سیاسی در آفریقای شمالی تأثیرات مهمی به جا خواهد گذاشت.

توی‌ترین جریان اسلامی در الجزایر جبهه نجات اسلامی است (دارای ۵۵ درصد آرا در انتخابات شهادتیه در سال گذشته) این جریان پس از شورش اکتبر ۱۹۸۸ که علیه فلاکت اقتصادی برپا شده بود، تشکیل گردید. بدنبال این شورش "جبهه آزادی بخش ملی" الجزایر بر آن شد که یک سلسله رفرم اقتصادی و سیاسی به اجرا بگذارد و از جمله به حالت تک حزبی پایان دهد.

تا قانون آزادی احزاب اعلام شد حدود ۴۰ حزب تشکیل شدند که هیچ یک نتوانستند همچون جبهه نجات اسلامی در میان مردم ریشه بدهند. این جبهه بر بنیاد یک شبکه از پیش آماده شده از مساجد، مدارس قرآن، بنگاه‌های خیریه اسلامی و گروه‌های مذهبی تشکیل شد و با بهره‌گیری از کمک مالی هریستان رشد سریعی یافت. رهبر جبهه نجات شیخ عباس مدنی (۵۹ ساله) است. مرد شماره دو این جریان علی بلحاج است. جبهه نجات خواهان تشکیل حکومت اسلامی در الجزایر است و به شدت با تجدد مخالف است. جبهه نجات رابطه تیره‌ای با جمهوری اسلامی ایران دارد.



این جریان همواره به شیعه‌گری تاخته و اعلام کرده است که برداشت آن از حکومت اسلامی با برداشت ملایان ایران فرق دارد. قطع کمک هریستان به جبهه نجات اسلامی الجزایر پس از هواداری این جبهه از صدام حسین در ماجرای کویت باعث آن نشد که این جریان لحن خود در نسبت به تهران عوض کند و برهم سنخی خود با فتوحای ایران تأکید نماید. اسلام‌گرایان الجزایری یک دست نیستند. خود جریان جبهه نجات نیز یک جریان یکپارچه نیست و سران آن تصور همانندی از یک حکومت اسلامی ندارند. پس از "جبهه نجات" نیرومندترین جریان اسلامی، جنبش "حماص" بریاست شیخ محفوظ خناح است. این جریان دارای یک پز میانه روست و در کنگره نخست خود شعار خویش را "گفتگو و اعتدال" برگزید. جنبش "حماص" اعلام کرده که حاضر است در یک نظام چند حزبی خط خویش را پیش برود و به قوانین دموکراتیک احترام بگذارد.

"حماص" دارای اختلاف دیدگاهی بنیادین با جبهه نجات است. رابطه تهران با "حماص" نه به خاطر قربت فکری بلکه به خاطر اختلاف جبهه نجات با تهران در ظاهر امر حسنه است. در سفر ماه گذشته یک هیات پارلمانی جمهوری اسلامی به الجزایر به سرپرستی محتشمی، هیات با شیخ محفوظ پدیدار کرد.

دیگر جریانهای اسلامی الجزایر همچون جبهه نجات و حماص حالت سراسری ندارند. در میان جریان‌های منطقه‌ای قویترین جریان حزب تعاضت اسلامی است که در شهر کنستانتین در شمال الجزایر بیشترین طرفدار را دارد. این جریان بیشتر به جبهه نجات نزدیک است. آنچه که به جریان‌های اسلامی در الجزایر قدرت ویژه بخشیده شبکه روابط و خدمات اجتماعی برپا شده از سوی آنهاست. آنها در همه جامه‌های کودک، مدرسه، کلاس قرآن، بیمارستان، بنگاه‌های کارگشایی و صندوق قرض الحسنه و نهادهای فرهنگی برپا کرده‌اند و از این طریق قادرند مدام با هواداران خود در تماس بوده، آنها را فوراً به حالت بسیج در آورند و یار صورت نبودن شرایط مناسب روال ثابت کار تدریجی نفوذ فرهنگی و اجتماعی را ادامه دهند.

یادداشت اقتصادی

مشاغل کاذب: پدیده ناهنجار اقتصاد کشور

بحروز خلیق

کلان فروخته می‌شود. نمونه این مسئله را می‌توان در مورد کالاهای کوپنی مشاهده کرد. مدتهاست که کالاهای کوپنی در مغازه‌ها پیدا نمی‌شود و کوپن روی دست مردم میماند ولی کالاهای کوپنی را در بازار آزاد بفور میتوان پیدا کرد. کوپن نیز بعنوان یک کالا در بازار خرید و فروش میشود و به شغل روزمره هزاران نفر تبدیل شده است.

درواقع امر فارتگری تجار و دلال‌ها و واسطه‌ها با عملکرد بخش دولتی و مشاغل کاذب در هم تنیده شده و به یک سیستم در اقتصاد کشور تبدیل شده‌اند که از هم‌دیگر تغذیه می‌کنند و بر هم تأثیر می‌گذارند. بخش دولتی و بخش خصوصی دست در دست هم داده این پدیده ناهنجار را بوجود آورده‌اند.

بیکاری فزاینده در کشور و رشد شتابناک جمعیت، نیز در شرایط کاهش اشتغال صنعتی در رشد مشاغل کاذب موثرند. جمعیت شهری در دوره ده ساله ۶۵ - ۱۳۵۵ سالانه ۵/۴ درصد افزایش یافته است. این امر نشانه گسترش شهرها بدون ایجاد اشتغال مولد است.

دارندگان مشاغل کاذب تنها روستائیان مهاجر را در بر نمی‌گیرد. در میان آنها همه‌گونه آدم می‌توان مشاهده کرد: پیر، جوان، دیپلم، معلم، کارمند، لیسانس، دکتر و... زمانی که درآمد ناچیز کارمندان و معلمین خرج رو به افزایش زندگی‌شان را تأمین نمی‌کند اجباراً به شغل‌های کاذب روی می‌آورند. خیل عظیم سلیمه‌هایی که جذب دانشگاه و بار مولد نمی‌شوند الزاماً به سوی شغل‌های انگلی سرانبر می‌شوند.

علاوه برآمدهای بالای مشاغل کاذب جاذبه‌های قوی را در جامعه ما بوجو دآورده است. درآمد کارمندان، معلمین، مهندسی و استادانی که همی را زحمت کشیده‌اند و تخصصی را فراگرفته‌اند قابل قیاس با درآمد ارزفروشان، دلالان، واسطه‌گران و بعضاً دست‌فروشان و سیگارفروشان نیست. به‌نوشته روزنامه کیهان سیگارفروشان جز در روز حداقل هزار تومان درآمد دارند. یعنی ماهیانه حدود ۳۰ هزار تومان. در حالیکه درآمد حقوق‌بگیران کشور به مراتب پایین‌تر از این رقم است. به همین خاطر بخشی از نیروی تحصیل کرده کشور به جای اشتغال در کارهای تولیدی به دلالی و واسطه‌گری و دیگر شغل‌های کاذب روی می‌آورند.

رشد مشاغل انگلی نه‌تنها در اقتصاد کشور بلکه در هرصه‌های اجتماعی نیز تأثیرات ویرانگر گذاشته است. این تأثیرات را بوضوح می‌توان در رشد فساد و در تخریب ارزش‌های اجتماعی مشاهده کرد. طبیعت مشاغل کاذب باوجدان کار و رعایت حقوق دیگران و ارزش‌های اجتماعی هم‌خوانی ندارد و بر کلاسی، کلاهبرداری و تقص‌مداوم حقوق دیگران همراه است. امروزه در جامعه ایران بفور میتوان این پدیده‌های ناهنجار را مشاهده کرد که لازمت به آنها جداگانه پرداخته شود.

میزان اشتغال در بخش صنعت از یک میلیون و ۶۷۲ هزار نفر در ۱۳۵۵ به یک میلیون و ۴۵۱ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ و اشتغال در بخش معدن از ۹۰ هزار نفر به ۳۳ هزار نفر تقلیل یافته است. در بخش ساختمان و مسکن در طی این دوره مقدار اندک یعنی حدود ۲۰ هزار شغل جدید ایجاد شده است. بنابراین بخش صنعت و معادن نه تنها قادر به جذب نیروی کار سرریز شده از روستا به شهر نبوده، بلکه خود بر میزان نیروی بیکار افزوده است. این پدیده مختص کشور ما و دوره هائیتست. در اروپا در دوران انقلاب صنعتی به دلایل رشد صنعت و شهرها مدهای از دهقانان از روستاها کنده شده و برای پیدا کردن کار و زندگی بهتر به سوی شهرها سرازیر و در صنایع مشغول کار می‌شوند. این نیروی کار از آن به موتور محرکه صنعت و پیشرفت اقتصادی در اروپا تبدیل شده. ولی در کشور ما این نیروی مهاجر نه به موتور محرکه پیشرفت اقتصادی بلکه به عامل مخرب در اقتصاد کشور تبدیل شده است.

اکثر دهقانان فاقد زمین و یا کم زمین هستند. آنها در روستا قادر نیستند معاش خانواده خود را تأمین کنند. علاوه آنها، یکسال در سرما و گرما در روستاها جان می‌کنند ولی درآمد سالانه‌اشان کمتر از درآمد ماهانه یک ارزفروش و سیگارفروش خیابانی در شهر است. به همین خاطر آنها دلیلی برای ماندن در روستا نمی‌یابند. می‌توان بجای طاقت فرسای روستا به کار راحت در شهر رو آورد و درآمدزایی را که قابل قیاس با روستا نیست کسب کرد.

عملکرد بخش خصوصی در طول حکومت جمهوری اسلامی، عامل مؤثری در رشد مشاغل کاذب بوده است. بدلیل سودهای سرشار در بخش تجارت و بازرگانی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی کاهش یافته و هجوم سرمایه‌ها و نیروی کار به بخش‌های غیر تولیدی تشدید یافته است. بر اساس آمار موجود در ۴۵۳ هزار فرصت جدید شغلی که در طی سالهای ۶۵-۱۳۵۵ توسط بخش خصوصی ایجاد شده است، همگی خصلت خدماتی دارند. فارتگران برای رسیدن به ثروت‌های افسانه‌ای نیاز به سیستمی از مشاغل کاذب دارند. دلالان کلان برای زراندوزی به هزاران نفر احتیاج دارند تا از راهی آنها را در چهارراه‌ها و پیاده‌روها و یادکها و معازها بفرشند. عمده‌فروشان که سیگار را از سازمان دخانیات کشور می‌خرند برای بدست آوردن سودهای کلان به شبکه‌ای از سیگار فروش احتیاج دارند. در حقیقت سیستم فعلی فعالیت بخش خصوصی در کشور زاینده مشاغل کاذب است. سیستم توزیع دولتی و فساد اداری نیز در گسترش مشاغل کاذب مؤثرند. دولت ظاهراً بخش عمده تجارت خارجی و توزیع بخشی از کالاها را به عمده‌گرفته است تا به اقشار کم درآمد کندولی عملاً کالاهای ضروری مردم سرازار آزاد در می‌آورد و به قیمت‌های

در طول حاکمیت جمهوری اسلامی پدیده‌های ناهنجار بسیاری در عرصه اقتصادی شکل گرفته و تأثیرات مخربی بر اقتصاد کشور و ارزش‌های اجتماعی گذاشته‌اند.

یکی از این پدیده‌های ناهنجار پیدایش ورشد سرطان وار مشاغل کاذب است. گرچه این پدیده قبل از انقلاب بجهن نیز وجود داشت ولی ابعادیکه این پدیده بعد از انقلاب پیدا کرده است، قابل قیاس با دوره قلی نیست. ارقام این مسئله را تا بید می‌کند. رقم مشاغل غیرتولیدی و کاذب در طی سال‌های ۶۵ - ۱۳۵۵ حدود ۷/۵ برابر افزایش یافته است یعنی از رقم ۹۸۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است (روزنامه کیهان - ۱۵ دیماه سال ۱۳۶۹).

مشاغل کاذب به شغل‌هایی گفته میشود که نقشی در تولید و در خدماتی که مورد نیاز مردم است، ایفا نمی‌کنند. مشاغلی نظیر: کوپن فروشی، سیگار فروشی، دستفروشی، واسطه‌گری و دلالی، ابعاد مشاغل کاذب در جامعه ما گسترده‌تر و فراگیرتر از موارد بالا است و تنها در زمینه‌های نام خرید و فروش خلاصه نمی‌شود. با کاهش امکانات دولتی در ارائه خدمات عمومی زمینه برای رشد این پدیده خدمات نیز بوجود آمده است. نمونه این مسئله را می‌توان در فروش بلیط هواپیما و سایر وسائل نقلیه، مشاهده کرد. مدهای بلیط هواپیما را با قیمت رسمی می‌خرند و در بازار سیاه به قیمت بالایی می‌فروشند.

این مولود نامیمون زاینده وضع اقتصادی و اجتماعی بعد از انقلاب و سیاست‌های رژیم جمهوری در طی ۱۲ سال اخیر است. بعد از انقلاب موانع زیادی در مقابل رشد تولیدات صنعتی بوجود آمد در حالیکه راه برای فعالیت‌های تجاری، دلالی و واسطه‌گری وسیعاً باز شد و نیروی کار و سرمایه‌های عظیمی در این بخش متمرکز گردید. مناسبات سرمایه‌داری در ایران در دوره بعد از انقلاب در وجه غالب در بخش تجارت و خدمات رشد کرده و نتایج فوق‌العاده زیانباری را در بافت اقتصادی - اجتماعی جامعه بوجود آورده است.

رشد بی‌رویه مشاغل کاذب را علاوه بر عامل اصلی که در بالا ذکر شد میتوان در عوامل مشخص نیز جستجو کرد. یکی از این عوامل عدم تعادل در رشد شهر و ده و فاصله قابل توجه بین درآمدهای شهری و روستایی است. روستاهای کشور به هلا مختلف قادر نیستند که تماماً نیروی کار را حفظ کنند. در طی دهه‌های اخیر موج مهاجرت از روستاها به شهرها به پدیده رایج تبدیل شده است. ولی بخش‌های تولیدی در شهر قادر به جذب ایجاد نیروی کار نیستند. در دوره بعد از انقلاب میزان تولیدات صنعتی شدیداً پایین آمده و اشتغال در بخش‌های صنعت و معادن کاهش یافته است.

نشار ائتلاف مسلط برای حذف آنها از مراکز قدرت، صورت می‌گیرد. آشفته نگری در میان محافل تندرو به تناقض‌گویی‌های محفل خوئینی‌ها، اصفرزاده، ولایی، موسوی لاری، مهدی و نظایر آنها که اینک در تحریریه روزنامه "سلام" گرد آمده‌اند محدود نمی‌شود و تناقضات بزرگتر در مجموعه طیف "تندرو" و در میان محافل مختلف آن رخ می‌نماید. بخش بزرگی از اکثریت "تندرو" مجلس که با دفاع از طرح "اصلاح قانون انتخابات مجلس"، عملاً در جهت تخفیف محدودیت‌ها و افزایش نقش مردم در گزینش نمایندگان گام برداشت، بوسیله چماقداران بدنامی نظیر محتشمی، خلخالی و هادی غفاری نمایندگی می‌شود و کسانی که کف بر لب علیه هر نوع دگراندیشی

فریاد می‌زنند، شکستن بیش از این قلم‌ها و بستن باز هم بیشتر دهانها را مطالبه می‌کنند، و در نشریاتی نظیر کیهان هوایی و کیهان روزانه با راست‌ترین محافل وابسته به رسالت برای ایجاد خفتان بیشتر همصدا می‌شوند، در شمار شاخص‌ترین چهره‌های این جریان هستند.

آزادی، مرجعیت مردم و کساکش در حکومت

الف - مومنی

مواضع طرفین عمدتاً مفسوش و پرتناقض است، به گونه‌ای که ترسیم نقاط تمایز و اشتراک آنها در رابطه با مفاهیم "آزادی" و "مرجعیت مردم" به سختی امکان پذیر است.

رفسنجانی که میان الزامات ناشی از ضرورت بازسازی، جلب حمایت شرب و کسب اعتماد سرمایه‌داران و صاحبان هلم و فن از یک سو و موقعیت خود به عنوان رئیس جمهور رژیمی که ولایت فقیه اساس و محور آن است از سوی دیگر، محصور شده است، نتگانه‌های ساختاری رژیم را به خوبی منعکس کرده، محدودیت شدید دیدگاه مبتنی بر ولایت فقیه در پیوند با مفهوم آزادی را به نمایش می‌گذارد.

او می‌گوید: "اجزای واقعا آزاد هستند و مام منتظر هستیم حزبی تشکیل شود، ولی خودشان فعالیت نمی‌کنند، چون حرفی در مقابل نظام ندارند!" اما بلافاصله می‌افزاید: "باید در جامعه عراق مانند ایران یک نوع دموکراسی وجود داشته باشد و همه اقتدار مردم بر اساس انتخابات آزاد حکومت خود را تعیین کنند..."

فعالیت اصلی خمینی است، باصل "مرجعیت مردم"، سبب می‌شود که بویژه در شرایط شدت متحول کنونی، دفاع همزمان از "راه امام" و "مرجعیت مردم" به سرعت دشوار و ناممکن گردد. این امر محافل تندرویی را که می‌خواهند ضمن میرانداری خمینی، خود را مدافع "مرجعیت مردم" معرفی کنند، در تنگنای جدی قرار داده، انتخاب را ناگزیر می‌سازد، گزینش "راه امام" خواه ناخواه به تبعیت از ائتلاف مسلط منجر می‌شود و انتخاب "مرجعیت مردم" و پافشاری بر آن، به صفوی اپوزیسیون راه می‌برد. آینده نه چندان دور نشان خواهد داد که آیا همه جریان‌های تندرو مسیر واحدی را برمی‌گزینند و یا پیش‌بینی نرزد خمینی تنها شامل بخشی از تندروها خواهد شد. اما در هر حال پیگیری تحولاتی که در محافل تندرو می‌گذرد و گشودن باب دیالوگ با آن بخش از محافل و عناصر تندرو که بر "مرجعیت مردم" پای می‌نشانند و اینجا و آنجا نمودهایی از درک رابطه "آزادی" و "عدالت" بروز میدهند، بویژه امروز که آلترناتیو "است" تحت رهبری رفسنجانی با شتاب سامان می‌یابد، برای اپوزیسیون چپ و دموکرات در یک چشم‌انداز بلندمدت و اجدا اهمیت است.

تناقض شدید میان تئوری "ولایت فقیه" که میراث اصلی خمینی است، باصل "مرجعیت مردم"، سبب می‌شود که بویژه در شرایط شدت متحول کنونی، دفاع همزمان از "راه امام" و "مرجعیت مردم" به سرعت دشوار و ناممکن گردد. این امر محافل تندرویی را که می‌خواهند ضمن میرانداری خمینی، خود را مدافع "مرجعیت مردم" معرفی کنند، در تنگنای جدی قرار داده، انتخاب را ناگزیر می‌سازد، گزینش "راه امام" خواه ناخواه به تبعیت از ائتلاف مسلط منجر می‌شود و انتخاب "مرجعیت مردم" و پافشاری بر آن، به صفوی اپوزیسیون راه می‌برد. آینده نه چندان دور نشان خواهد داد که آیا همه جریان‌های تندرو مسیر واحدی را برمی‌گزینند و یا پیش‌بینی نرزد خمینی تنها شامل بخشی از تندروها خواهد شد. اما در هر حال پیگیری تحولاتی که در محافل تندرو می‌گذرد و گشودن باب دیالوگ با آن بخش از محافل و عناصر تندرو که بر "مرجعیت مردم" پای می‌نشانند و اینجا و آنجا نمودهایی از درک رابطه "آزادی" و "عدالت" بروز میدهند، بویژه امروز که آلترناتیو "است" تحت رهبری رفسنجانی با شتاب سامان می‌یابد، برای اپوزیسیون چپ و دموکرات در یک چشم‌انداز بلندمدت و اجدا اهمیت است.

تناقض‌گویی در اردوی مقابل کمتر از ائتلاف مسلط نیست. خوئینی‌ها و اصفرزاده و نظایر آنها با طرح اینکه "میزان حق و باطل رای مردم است، میزان مشروعیت یک نظام آرا مردم است. و اگر مردم نخواهند بنده باید بروم کنار، نه آنکه اگر بنده نخواستم، مردم باید بروند کنار" به دفاع از اصل "مرجعیت مردم" برخاسته، عملاً به تجدید نظر در تئوری ولایت فقیه تمایل نشان می‌دهند. آنها در همین حال با تأکید بر "راه امام" و مشارکت در اعمال فشار سنگینی که هم‌اکنون بر فعالیت بسیار محدود و فرهنگی دگراندیشان وارد می‌شود و تأیید سرکوب آزادیها و مشارکت در آن تناقضات دیدگاهی خویش را به نمایش گذاشته این فکرات تقویت می‌کنند که مطرح شدن "مرجعیت مردم" از سوی آنها در نتیجه ملاحظات سیاسی لحظه و با انگیزه مقاومت در مقابل

مواضع طرفین عمدتاً مفسوش و پرتناقض است، به گونه‌ای که ترسیم نقاط تمایز و اشتراک آنها در رابطه با مفاهیم "آزادی" و "مرجعیت مردم" به سختی امکان پذیر است.

رفسنجانی که میان الزامات ناشی از ضرورت بازسازی، جلب حمایت شرب و کسب اعتماد سرمایه‌داران و صاحبان هلم و فن از یک سو و موقعیت خود به عنوان رئیس جمهور رژیمی که ولایت فقیه اساس و محور آن است از سوی دیگر، محصور شده است، نتگانه‌های ساختاری رژیم را به خوبی منعکس کرده، محدودیت شدید دیدگاه مبتنی بر ولایت فقیه در پیوند با مفهوم آزادی را به نمایش می‌گذارد.

او می‌گوید: "اجزای واقعا آزاد هستند و مام منتظر هستیم حزبی تشکیل شود، ولی خودشان فعالیت نمی‌کنند، چون حرفی در مقابل نظام ندارند!" اما بلافاصله می‌افزاید: "باید در جامعه عراق مانند ایران یک نوع دموکراسی وجود داشته باشد و همه اقتدار مردم بر اساس انتخابات آزاد حکومت خود را تعیین کنند..."

فعالیت اصلی خمینی است، باصل "مرجعیت مردم"، سبب می‌شود که بویژه در شرایط شدت متحول کنونی، دفاع همزمان از "راه امام" و "مرجعیت مردم" به سرعت دشوار و ناممکن گردد. این امر محافل تندرویی را که می‌خواهند ضمن میرانداری خمینی، خود را مدافع "مرجعیت مردم" معرفی کنند، در تنگنای جدی قرار داده، انتخاب را ناگزیر می‌سازد، گزینش "راه امام" خواه ناخواه به تبعیت از ائتلاف مسلط منجر می‌شود و انتخاب "مرجعیت مردم" و پافشاری بر آن، به صفوی اپوزیسیون راه می‌برد. آینده نه چندان دور نشان خواهد داد که آیا همه جریان‌های تندرو مسیر واحدی را برمی‌گزینند و یا پیش‌بینی نرزد خمینی تنها شامل بخشی از تندروها خواهد شد. اما در هر حال پیگیری تحولاتی که در محافل تندرو می‌گذرد و گشودن باب دیالوگ با آن بخش از محافل و عناصر تندرو که بر "مرجعیت مردم" پای می‌نشانند و اینجا و آنجا نمودهایی از درک رابطه "آزادی" و "عدالت" بروز میدهند، بویژه امروز که آلترناتیو "است" تحت رهبری رفسنجانی با شتاب سامان می‌یابد، برای اپوزیسیون چپ و دموکرات در یک چشم‌انداز بلندمدت و اجدا اهمیت است.

تناقض شدید میان تئوری "ولایت فقیه" که میراث اصلی خمینی است، باصل "مرجعیت مردم"، سبب می‌شود که بویژه در شرایط شدت متحول کنونی، دفاع همزمان از "راه امام" و "مرجعیت مردم" به سرعت دشوار و ناممکن گردد. این امر محافل تندرویی را که می‌خواهند ضمن میرانداری خمینی، خود را مدافع "مرجعیت مردم" معرفی کنند، در تنگنای جدی قرار داده، انتخاب را ناگزیر می‌سازد، گزینش "راه امام" خواه ناخواه به تبعیت از ائتلاف مسلط منجر می‌شود و انتخاب "مرجعیت مردم" و پافشاری بر آن، به صفوی اپوزیسیون راه می‌برد. آینده نه چندان دور نشان خواهد داد که آیا همه جریان‌های تندرو مسیر واحدی را برمی‌گزینند و یا پیش‌بینی نرزد خمینی تنها شامل بخشی از تندروها خواهد شد. اما در هر حال پیگیری تحولاتی که در محافل تندرو می‌گذرد و گشودن باب دیالوگ با آن بخش از محافل و عناصر تندرو که بر "مرجعیت مردم" پای می‌نشانند و اینجا و آنجا نمودهایی از درک رابطه "آزادی" و "عدالت" بروز میدهند، بویژه امروز که آلترناتیو "است" تحت رهبری رفسنجانی با شتاب سامان می‌یابد، برای اپوزیسیون چپ و دموکرات در یک چشم‌انداز بلندمدت و اجدا اهمیت است.

تناقض‌گویی در اردوی مقابل کمتر از ائتلاف مسلط نیست. خوئینی‌ها و اصفرزاده و نظایر آنها با طرح اینکه "میزان حق و باطل رای مردم است، میزان مشروعیت یک نظام آرا مردم است. و اگر مردم نخواهند بنده باید بروم کنار، نه آنکه اگر بنده نخواستم، مردم باید بروند کنار" به دفاع از اصل "مرجعیت مردم" برخاسته، عملاً به تجدید نظر در تئوری ولایت فقیه تمایل نشان می‌دهند. آنها در همین حال با تأکید بر "راه امام" و مشارکت در اعمال فشار سنگینی که هم‌اکنون بر فعالیت بسیار محدود و فرهنگی دگراندیشان وارد می‌شود و تأیید سرکوب آزادیها و مشارکت در آن تناقضات دیدگاهی خویش را به نمایش گذاشته این فکرات تقویت می‌کنند که مطرح شدن "مرجعیت مردم" از سوی آنها در نتیجه ملاحظات سیاسی لحظه و با انگیزه مقاومت در مقابل

مواضع طرفین عمدتاً مفسوش و پرتناقض است، به گونه‌ای که ترسیم نقاط تمایز و اشتراک آنها در رابطه با مفاهیم "آزادی" و "مرجعیت مردم" به سختی امکان پذیر است.

رفسنجانی که میان الزامات ناشی از ضرورت بازسازی، جلب حمایت شرب و کسب اعتماد سرمایه‌داران و صاحبان هلم و فن از یک سو و موقعیت خود به عنوان رئیس جمهور رژیمی که ولایت فقیه اساس و محور آن است از سوی دیگر، محصور شده است، نتگانه‌های ساختاری رژیم را به خوبی منعکس کرده، محدودیت شدید دیدگاه مبتنی بر ولایت فقیه در پیوند با مفهوم آزادی را به نمایش می‌گذارد.

باخوانندگان

جمهوری اسلامی و روندهای فرهنگی و هنری

لیما

...مسئولین فرهنگی رژیم بر این باورند که تمدن اسلامی در ذات خود بعد هنری تجزیه ناپذیر دارد. آنها تاکنون نپذیرفته اند که مردم ایران دارای فرهنگی هستند، و آنرا فرهنگ و تمدن ایرانی می نامند. سران رژیم همه آنهایی را که غیر از آن چیزی می اندیشند که متعلق به ۱۴۰۰ سال پیش عربستان سعودی است، بریدگان از فرهنگ خود و یا مسحور شدگان فرهنگی مسلط دیگر در جهان می دانند و فراموش می کنند بگویند خود از باصطلاح فرهنگی دفاع می کنند که متعلق به دیگران است نه متعلق به ایرانیان.

هنر مورد نظر آقایان هم با فرهنگ فنی و دیرپای ایرانیان که جزء معدود کشورهای دارای فرهنگ فنی و تاریخی مانند هند و یونان باستان می باشد و هم با فرهنگ و هنر جهان معاصر سازگاری دارد. رژیم برای جانداختن فرهنگ اسلامی مورد نظر خود بر جامعه غیر از صرف میلیاردها تومان پول و تصفیه دستگاه دولتی از هنرمندان و روشنفکران، سعی ورزیده است، یک جریان هنری با پشتوانه قوی را جهت مقابله با

...رژیم طی سالهای حکومت خود قادر نشده و نیز قادر نخواهد شد در شرایط حضور و نفوذ نویسندگان، شعرا و ادبا و هنرمندان دمکرات و میلیونها روشنفکر در سراسر کشور به اهداف ضد فرهنگی و ارتجاعی اش دست یابد.

رژیم خود نیز طی این سالها به چنین نتیجه ای دست یافته و لذا تلاش میورزد که بنوعی از بن بست که در آن گرفتار آمده است رهاشود. در این ارتباط سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی تحت فشار ادب دوستان و در اثر فعالیت های آنها در داخل و خارج کشور کنگره ای به مناسبت هزاره سرایش شاهنامه فردوسی شاعر بزرگ و ملی ایرانیان برپا کرد. این اقدام از جانب رژیمی که با فرهنگ ملی ایرانیان سرسستی دارد و خود، ۱۱ سال، فردوسی شاعر بزرگ و ملی ایرانیان را مورد بی مهری قرار داده و از هیچ توهین و افتزائی در حق او خودداری نکرده بود، عجیب می نمود. مسلم است که این تغییر رویه از سوی جمهوری اسلامی و تظاهر آن به برگرداندن بزرگان فرهنگ و ادب ایران به قصد جلب افکار عمومی ایرانیان صورت می گیرد. هدف رژیم در همین حال این است که از فرصتهای آموخته استفاده کرده به ایجاد فرهنگی انتقالی که هم اسلامی باشد و هم ظاهر ا ملی باشد، اقدام کند تا نمعبده که مورد حمله ادب دوستان قرار گیرد. عقب نشینی رژیم در مقابل خواستهای و تمایلات نویسندگان، ادیبان و شعرا و دوستداران فرهنگ فنی و سرزمینمان دستاورد بزرگی برای جنبش مردمی و آزادیخواهانه ایران است. با

استفاده از امکانات بدست آمده اکنون ادبا و نویسندگان کشور ما با تفحصی در آثار مشاهیر ادب ایران و برگزاری اجلاسها و سمینارها و کنگره ها در حفظ هویت ملی ایرانیان در مقابل رژیم فرهنگ ستیز حاکم همه توان خود را بکار میگیرند. در حال حاضر همه واقفیت حاکی از آن است که رژیم فقها گام به گام و مرحله به مرحله بناچار پذیرفته است که قادر نیست خواب و خیالهای ارتجاعی و ضد فرهنگی و ضد مردمی خود را به اجرا درآورده و مانع از نشر و اشاعه اندیشه های دمکراتیک و ترقیخواهانه که مظاهر با اندیشه های اسلام نقابته رژیم است شود.

رژیم شاه نیز در دهه ۳۰ و ۴۰ هـ متدی مشابه ج را بکار گرفته بود. در آن مقطع تلاشهای ساواک و دستگاههای مریض و طولیل باصطلاح فرهنگی رژیم برای کنترل شهر و ندان و اشاعه فرهنگ حکومتی که صرفا حربهای برای تبلیغ رژیم شاهنشاهی بودند به جانی نرسید. با وجود همه موانعی که رژیم سلطنتی بر سر راه شهر و ندان ایجاد کرده بود در آن سالها نیروی عظیمی از روشنفکران پایه میدان گذاشته و با خلق آثار هنری بی بدیل به رژیم شاه و اهوان و انصارش نه گفتند و نسل جدیدی از مبارزین انقلابی را برای جامعه ایرانی تربیت نمودند که بیوند مبارزه آنها با مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران در سال ۵۷ منجر به سرنگونی رژیم شاهنشاهی گردید.

روندهای جاری در ایران نیز بار دیگر این تجربه را که با هنر نمی توان به عنوان حربهای برای تبلیغات برخورد کرد ثابت می نماید.

کوتاه "همراهی مطبوعات فربى با امریکا" نخستین نامه است که از شما به دست ما رسیده است. ما آدرس شما را در اختیار بخش ترجمه نشریه قرار می دهیم تا در صورت تمایل شما، همکاری مخیدتری برقرار شود.

علیرضا ب. زوریخ - ما اخیرا کتابی برای فروش عرضه نکرده ایم.

ج. تبال نژاد (نور) - کریمی (آلمان)، نامه های شما را در اختیار بخش توزیع قرار دادیم.

محمود، س. هلند، هلی، ف. آلمان - تقاضای شما برای اشتراک نشریه را در اختیار بخش توزیع قرار دادیم. کتاب کنگره به زودی منتشر می شود، اما برای ما متاسفانه در شرایط فعلی امکان ارسال نشریات گذشته وجود ندارد.

پژمان، بلژیک - مطلب

مقصود از ارسال آنها کند. اگر هدف آگاهی ما بوده است که کمال تشکر را داریم، اما اگر برای درج در نشریه بوده، همانگونه که در پاسخ قبلی اشاره کردیم، کارهای شما بدلیل جنبه های تخصصی بسیار آن، با چارچوبه فعلی نشریه ما و صفحات آن هم خوانی ندارد و از اینرو با وجود آگاهی به ارزش آنها، متاسفانه ما از چاپ چنین مقالاتی در شرایط فعلی معذوریم. امیدواریم همکاری شما با ما با ارسال مقالاتی که برای طیف خوانندگان وسیع تری قابل استفاده باشد، ادامه یابد.

پوران، گ - درخواست شما را برای رسیدگی در اختیار شورای مرکزی سازمان قرار دادیم.

نورالدین، فرانسه - مواضع سازمان در مورد جمهوری اسلامی، جبهه متحد و اتحاد با سایر گروه های سیاسی، تحولات کشورهای اروپای شرقی و مسائل دیگر در گزارشها و اطلاعاتیه های شورای مرکزی و هم چنین مقالات نشریه کار درج می شود. تقاضای شما را برای اشتراک نشریه در اختیار بخش توزیع قرار داده ایم. با دریافت نشریه کار می توانید بطور دقیق در جریان مواضع سازمان مآثر گیرید.

پاسخهای کوتاه

دوستان گرامی:

گلی، آ. آلمان - متاسفانه اخبار ارسالی شما در مورد "جنبش انقلابی ترکمن های عراق" فاقد نسخه اصلی بود و امکان تحقیق در مورد آنها را ناممکن می ساخت. درخواست ما این است که در اینگونه موارد متن اصلی را که خبر یا مقاله از آن گرفته شده، برای ما ارسال کنید. به اوقات نشریات ارسالی برای شما را به اطلاع بخش توزیع رساندیم. جا افتادگی دنباله مقاله شماره ۴۰ اشتباه در کار صفحه بندی بوده است و بالاخره همانگونه که می بینید صفحه "با خوانندگان" تعطیل نشده است.

صادق، امریکا - نامه شماره ۱۰ در مورد عدم دریافت نشریه در اختیار بخش توزیع قرار دادیم. این بخش مستقیما نامه برای شما ارسال داشته است.

فرزین، فرانکفورت، آلمان - همانگونه که خود نوشته اید نامه واحدهای سازمان، جمهوری خواهان ایران، حزب دموکراتیک و سازمان فدائیان خلق در فرانکفورت به گنشنش وزیر خارجه آلمان، دیر به دست ما رسید و بهمین دلیل نیز تا زگی و موضوعیت خود را برای درج در نشریه از دست داد.

مغرد، آلمان - مقالات شما به نام "مقولاتی در تاریخ اساطیری بنی اسرائیل" و "سیریه باستانی، سرزمین کیمیران آریایی" به دست ما رسید. متاسفانه توضیحی همراه این مقالات نبود که ما را متوجه

در گرامیداشت حکیم نظامی گنجوی

امسال، نهمین سال تولد سخنور بزرگ فارسی، حکیم نظامی گنجوی است. حکیم نظامی با خلق کلیات خمسه که شامل "مخزن الاسرار"، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندرنامه است، شعر و ادب فارسی را هروچ تازه ای بخشید. او با این آفرینش بزرگ به انسان ها امید می دهد که فرجام پیکار خیر با شر و انسان هاشق هدمند با سعیت حکام جو سران، پیروزی انسان و اجداد انسانی است. به مناسبت بزرگداشت یاد حکیم نظامی گنجوی، قسمت هایی از "مناظره خسرو با فرهاد" برگرفته از دفتر شعر خسرو و شیرین کلیات خمسه را برگزیده ایم که در آن حکیم، پیش از حک شکست خسرو پادشاه از فرهاد تیشه زن. صخره های بیستون، طی مناظره ای، پیروزی پیشاپیش این هاشق خردمند بر سلطان ریاکار و تنگ نظر را نوید می دهد.

مناظره خسرو با فرهاد

نخستین بار گفتش کز کجایی
بگفت از دار ملک آشنایی.

بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند
بگفت اندوه خرد و جان فرو شند

بگفتا جان فروشی در ادب نیست
بگفت از هشتبازان این هجبت نیست

بگفت از دل تو میگوئی من از جان
بگفت از دل تو میگوئی من از جان

بگفتا هشت شیرین بر تو چونست
بگفت از جان شیرینم فرو نست

بگفتا هر شبش بینی چو محتاب
بگفت آری چو خواب آید کجا خواب

بگفتا دل مهرش کی کنی پاک
بگفت آنکه که باشم خفته در خاک

بگفتاگر خرامی در سرایش
بگفت اندازم این سر زیر پایش

بگفتاگر کند چشم ترا ریش
بگفت این چشم دیگر دارمش پیش

بگفتاگر کسش آرد فراچنگ
بگفت آهمن خورد دور خود بود سنگ

بگفتاگر نیایی (نجویی) سوی اوراه
بگفت از دور شاید دید در ماه

بگفتاگر بخواد هر چه داری
بگفت آشته از مه دور بهتر

بگفتاگر بسر یابیش خوشنود
بگفت این از خدا خواهم بر آری

بگفتا دور ستیش از طبع بگذار
بگفت از دوستان ناید چنین کار

بگفت آسوده شو کاین کار خامست
بگفت آسودگی بر من حرامست

بگفتا رو صبوری کن درین درد
بگفت از جان صبوری چون توان کرد

بگفت از صبر کردن کس خجل نیست
بگفت ایندل توان کرد دل نیست

بگفت از عشق کارت سخت زار است
بگفت از هاشقی خوشتر چه کار است

بگفتا جان مده بس دل که با او است
بگفتا دشمنند این هر دو بیدوست

بگفتا هیچ همخوابیت باید
بگفت از من نباشم نیز شاید

بگفتا چون از عشق جمالش
بگفت آتکس نداند جز خیالش

بگفت از دل جدا کن عشق شیرین
بگفتا چون زیم بی جان شیرین

بگفت او آن می شدر و مکن یاد
بگفت این کی کند بیچاره فرهاد

بگفت از من کنم در وی نگاهی
بگفت آتاق را سوزم به آهی

چو عاجز گشت خسرو در جوابش
نیامد بیش پرسیدن صوابش

بیاران گفت کز خاکی و آبی
ندیدم کس بدین حاضر جوابی

بزر دیدم که با او بر نیایم
چو زورش نیز بر سنگ آرمایم

ماهنامه "آرش"

چهارمین شماره مجله آرش به مدیریت پرویز تلجی خانی و زیر نظر شورای نویسندگان در پاریس انتشار یافت.

فضای فرهنگی ایرانیان خارج از کشور، نیاز گسترده حضور نشریات گوناگون اجتماعی - فرهنگی را بیش از پیش ضرور ساخته است. با درک چنین ضرورتی است که "آرش" گامهای نخستین خود را بر میدارد و میخواید - در راستای نشریاتی از این دست، در پاسخ به نیازی مبرم، سهمی شایسته داشته باشد. ازین رو در شماره سوم خود در سخن آشنا از همه عزیزان اهل قلم، اندیشمندان و پژوهشگران و شاعران و نویسندگان دعوت به همکاری نزدیک می کند. "مضامین زیر، بخشی از مطالب چهارمین شماره آرش است. قدرت و امر سیاست و شوررداری در شاهنامه: باقر پرهام، بزرگداشت هزاره تدوین شاهنامه در پاریس: م. پگاه، یادداشت هایی در باره فرهنگ اسلامی: آنتونیو گرامشی، در باره خلیج فارس: گفتگو با دکتر خسرو شاکری، "کنیزو" در تلاتی لیبی و نیستی، شعرهایی از: حسن حسام، رضا محمدی، کیان و ششمس الحاق، محمود فلکی.

توضیح و درخواست!

نشریه کار قصد دارد پیشنهادات، انتقادات و نظرات خوانندگان خود را در این ستون درج نماید. برای بهتر شدن کار، خوانندگانی را که برای ما نامه می نویسند به رعایت نکات زیر دعوت می کنیم:

۱- به دلیل محدودیت جا، تقاضا داریم نامه های خود را خلاصه بنویسید و در صورت امکان برای نوشته خود نامی نیز انتخاب کنید. سرویس "باخوانندگان" حق خلاصه کردن نامه های مطول را برای خود محفوظ خواهد داشت.

۲- در نامه های خود به مسائلی بپردازید که برای سایر خوانندگان نیز مفید باشد.

۳- برای خود حتما یک نام - واتسی و یا مستعار - انتخاب نمایید. اسم و آدرس خود را علاوه بر پشت پاکت در پائین نامه نیز تید کنید.

۴- برای تسهیل کار دسته بندی و آرش، لطفا نامه های خود را روی کاغذ به قطع A4 برای ما ارسال دارید.

۵- برای ما امکان پس فرستادن مطالب رسیده وجود ندارد. در صورتی که به نسخه اصلی مطلب خود احتیاج دارید، یک نسخه خوانا از فتوکپی آن را ارسال دارید.

باتشکر سرویس "باخوانندگان"

آیا خاورمیانه زیر سلطه مطلق غرب می رود؟

پتیه از صنف ۱۰

سهراب مشیری

حتی شوروی و ژاپن، چاره‌ای جز دنباله‌روی نماند. اخیراً ناتو به ابتکار آمریکا تصمیم به تشکیل یک نیروی واکنش سریع گرفت. این نیرو قرار است در بحران‌های آتی، بار نظامی پر دوش ایالات متحده را سبک‌تر کند. ناتو صریحاً اعلام کرده است که شرایط جدید اجازه کاهش هزینه‌های نظامی را نمی‌دهد. دشمنان جدید، زرادخانه‌های جدید را ضروری کرده‌اند. این، درس مشترک آمریکا و اروپای غربی از جنگ خلیج فارس است. برای ژاپن نیز که کماکان یک قوت اقتصادی و کوتوله نظامی است، میدان مانور چندانی باقی‌نماند.

در خود آمریکا، جنگ خلیج فارس عجله به یک دوره بحث پیرامون جایگاه، امکانات و وظایف ایالات متحده در دوره پس از جنگ سرد پایان داد. سیاستمداران آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند (یا حداقل به مردم خود چنین می‌گویند) که شکاف میان ادعای رهبری جهان از یک سو و امکانات عملی آمریکا از سوی دیگر، پر شده است: «ما آمریکایی هستیم، ما مسئولیتی بی‌مانند در انجام کاری سخت برای آزادی داریم، و اگر چنین کنیم، آزادی محقق می‌شود.» (جرج بوش در نطقی خطاب به مردم آمریکا) جهانی بس پیچیده که در آن، شکاف میان شمال و جنوب پیوسته عمیق‌تر می‌شود، بحران‌های منطقه‌ای جدید شکل می‌گیرد و ذخیره سلاح‌های مرگبار بزرگ‌تر شده، طیف صاحبان آن گسترش می‌یابد، در مدل ساخته و پرداخته نظریه پردازان سیاست آمریکا، به جهانی بسیار ساده تبدیل می‌شود. جهانی که در آن موشی شرور وجود دارند که کلان‌ترین ال‌میلی باید آنها را به جای خود بنشانند. جهانی که مسائل آن اصلاً به‌این خاطر ایجاد می‌شود که آمریکا آنها را حل کند.

در شماره بهار ۱۹۹۱ نشریه «مور خارژی» که در آن مبنکران مبنایی تئوریک سیاست خارجی آمریکا قلم می‌زنند، مقاله‌ای از چارلز کراوت هار چاپ شده است که حاوی رؤس اصلی «نظم بین‌المللی» در شرایط پس از جنگ سرد است. کراوت هار جوهر این نظم نوین را «ثبات و امنیت»، و مهم‌ترین خطری را که متوجه آن است، گسترش تسلیحات مدرن به کشورهای «حاشیه‌ای» می‌داند. کشورهایی که خیلی بزرگ نیستند، عقب‌مانده‌اند و می‌خواهند موقعیت خود را با تکیه بر سلاح بهبود بخشند. کراوت هار بطور مشخص از عراق، کره جنوبی و لیبی به عنوان خطرات بالذلل و آرژانتین، پاکستان، ایران و آفریقای جنوبی به مثابه خطرات بالقوه نام می‌برد، و می‌افزاید: «این امر نظم نوین بین‌المللی را نه به یک آرزوی کشور گشایانه یا خیال‌پردازی به سبک ویلسون، بلکه به یک روش صرفاً محتاطانه تبدیل می‌کند. غرب بتدریج در می‌یابد که لازم است نظامی تحکیم یابد که در آن این سلاح‌ها و کسانی که آنها را در دست دارند تحت مراقبت قرار گیرند.» نویسنده، به عنوان ابزار چنین نظامی از مجموعه‌های صدور هرگونه تکنولوژی پیشرفته به «اینگونه کشورها»، خلع سلاح آنها به زور در صورت لزوم و ایجاد یک سیستم ضد موشکی و دفاع ضد هوایی پیشرفته برای کشورهای غربی نام می‌برد، و تاکید می‌کند: «بزرگترین امید ما به امنیت در این عصر مانند دوره‌های دشوار گذشته، قدرت آمریکا و اراده آن است. قدرت و اراده رهبری یک جهان تک‌قطبی، برقراری قواعد نظم جهانی بدون احساس شرم و آماده بودن برای به‌کرسی نشاندن این قواعد.»

«نظم نوین جهانی» به همین سادگی است. «ثبات و امنیت»، این است آنچه آمریکا بر پرچم خود می‌نویسد. مابقی، از قبیل دموکراسی و حقوق بشر، دیگر محلی از اهراب ندارد. نظریه کراوت هار، یکی از انفرادی‌ترین نمونه‌هاست. اما نباید فراموش کرد که حداقل در جریان بحران خلیج فارس، این نظریه راهنمای عمل دولت آمریکا بود. الکترونیکی نظرات اینچینی در میان تئوریسین‌های آمریکایی، نه دست کشیدن از برتری طلبی و پذیرش ضرورت علاج ریشه‌ای مسائل مبتلا به جهان، که اجرای نوع پیچیده‌تری از سیاست قدرت است. به عنوان نمونه، ازل راوتر در شماره زمستان ۹۱ - ۱۹۹۰ نشریه «سیاست خارجی» می‌نویسد که در جهان نوین، نقش کشورهای قدرتمند مانند آمریکا محدود به ایجاد «فرمانده‌های» است، و ایالات متحده باید بکوشد در مناطق مختلف، نوعی تعادل نیروها را ایجاد کند و کاری کند که دشمنان بالقوه، بیشتر به جنگ در میان خود مشغول باشند تا هجوم به در تسخیرناپذیر شمال. اکنون، این «نظم نوین» برای خاورمیانه

توسط عراق، مردم فلسطینی ساکن مناطق اشغالی پرچم‌های عراق و عکس‌های صدام حسین را بالا بردند. برای آنها لفاظی رادیکال رژیم بغداد و حمله آن به یک متحد نزدیک غرب در خلیج فارس، امیدی واهی ایجاد کرد که بتوانند به کمک یک عبدالناصر جدید، خواست‌های خود را به اسرائیل و غرب تحمیل کنند. اکنون سخن از یک «کنفرانس منطقه‌ای» برای دستیابی به صلح در خاورمیانه می‌رود. آنچه تاکنون مانع تشکیل این کنفرانس شده، اختلاف بر سر شرکت یا عدم شرکت سازمان ملل در روند صلح است، نه مسئله تشکیل یک دولت فلسطینی. اسرائیل اعلام کرده است که حاضر به عقب‌نشینی از یک‌سوم اراضی اشغالی نیست. شعرک‌سازی در این اراضی ادامه دارد. کشورهای عربی پذیرفته‌اند که فلسطینی‌ها نه از طریق ساف، بلکه تنها با شرکت در هیات اردنی در کنفرانس صلح شرکت کنند. به نظر می‌رسد اگر آمریکا موفق به برگزاری کنفرانس صلح شود، حداکثر نتیجه‌ای که برای اعراب از این کنفرانس بدست خواهد آمد پس دادن بخشی از بلندی‌های جولان به سوریه و تخلیه جنوب لبنان توسط اسرائیل از یک سو، و دادن «خودمختاری» محدود به فلسطینی‌های مناطق اشغالی در هرصه‌هایی که به کار شرف‌داری نام‌رو باطاس باشد. این، به معنای همگانی کردن پیمان کمپ دیوید است. تحقق این راه‌حل، مسئله‌ملی فلسطینی‌ها را کماکان لاینحل خواهد گذاشت. یک ملت کماکان از داشتن دولت مستقل و از حق تعیین سرنوشت محروم خواهد ماند.

سیستم امنیتی

پس از جنگ خلیج فارس، استراتژی نظامی آمریکا در خاورمیانه حول سه محور پیش‌برده می‌شود:

- ۱ - تقویت بنیه نظامی اسرائیل و تحویل تجهیزات نظامی باز هم مدرن‌تر به این کشور
- ۲ - تضمین ادامه حضور نظامی مستقیم غرب در منطقه
- ۳ - تلاش برای ایجاد گروهبندی‌های مطلوب غرب تحت عنوان «سیستم امنیت منطقه‌ای»

اولیل خرداد ماه ریچارد چنی وزیر دفاع به اسرائیل رفت و با خود وعده‌هایی حاکی از کمک‌های بیشتر تسلیحاتی و مالی برد. اسرائیل کماکان متحد استراتژیک اصلی آمریکادر خاورمیانه است، و اختلاف دو کشور در مورد نحوه حل و فصل مسائل منطقه، اگر هم واقعی باشد، بر این امر تأثیری نمی‌گذارد.

از آنجا که آمریکا از سرانجام تلاش‌های خود برای شکل‌دادن به یک «سیستم امنیت منطقه‌ای» مطمئن نیست، برخلاف اظهارات مکرر مقامات آمریکایی حاکی از اینکه با پایان جنگ، نیروهای ایالات متحده منطقه را ترک خواهند کرد، پیوسته آشکارتر می‌شود که حضور نظامی مستقیم آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه باقی خواهد ماند. اخیراً اعلام شد که بخشی از نیروهای ارتش آمریکا در کویت مستقر خواهند شد. عملیات «کمک‌رسانی» به کردها نیز تمرینی شد برای نظامیان آمریکایی که در آینده استفاده از پایگاه‌های خود در ترکیه طرف جبهه مدت می‌توانند یک منطقه کوهستانی را که سابقه حضور در آن نداشته‌اند، اشغال کنند. کسی تردیدی ندارد که پایگاه‌هایی که غرب در طول جنگ خلیج فارس در منطقه بدست آورده‌اند، به این زودی‌ها تخلیه نخواهد شد. علاوه بر این، آمریکا قصد دارد مقادیر زیادی سلاح و مهمات را در اسرائیل و احتمالاً عربستان انبار کند تا در موقع لزوم استفاده قرار گیرند.

تلاش برای ایجاد «سیستم امنیتی» بیش از آنکه حلقه اصلی در استراتژی غرب باشد، مکمل اقدام‌های نامبرده است. سیستم امنیتی مورد نظر آمریکا می‌بایست در وهله اول متحدان مطمئن آمریکا مانند ترکیه، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و پاکستان را دربرگیرد و با جمهوری اسلامی و سوریه نیز رابطه‌ای برقرار کند که به منافع استراتژیک آمریکا لطمه‌ای نزند. فیر قابل تصور است که متحدان منطقه‌ای آمریکا بتوانند و بخواهند خارج از این چارچوب وارد سیستم امنیتی مشترکی با دیگران شوند. از آنجا که عربستان و شیخ‌نشین‌های همسایه‌اش تا می‌ل به شرکت دادن جمهوری اسلامی در یک پیمان امنیتی مشترک و نه می‌خواهند با کنار گذاشتن جمهوری اسلامی از چنین پیمانی، خشم رژیم تهران را برانگیزند، چشم‌انداز موفقیت آنها در گسترش آنچه به صورت شورای همکاری خلیج وجود دارد، چندان روشن نیست.

سیاست آمریکا در قبال ایران

سیاست ایالات متحده در قبال ایران، کنار آمدن با همین رژیم فعلی بدون تغییرات اساسی در آن را هدف قرار داده است. آمریکا به گفته جرج بوش هنوز شوروی را هلیرقم آنکه در سالهای اخیر بسیار بقیه در صنف ۹

ثمرات تلخی داشته است: نابودی منابع انسانی و اقتصادی عراق، خنثی شدن دستاوردهای سیاسی و دیپلماتیک مبارزه فلسطینی‌ها بر اثر خطایی که رهبری آنها با قرار گرفتن در تنگنا مرتکب آن شد، کشتار هزاران تن از کردها و شیعیان عراق به دست رژیم بغداد، آوارگی میلیون‌ها تن از مردم عراق، تخریب هولناک محیط زیست خلیج فارس، تحکیم رژیم‌های مرتجع شبه جزیره عربستان و واگذاری کامل لبنان به حافظ‌اسد. آیا اگر «بردباری» نشان دهیم می‌توانیم امیدوار باشیم که پس از این فجاج، از تحولات اخیر برای ملت‌های منطقه حداقل ثمرات جانبی مثبتی بدست آید؟ به عنوان نمونه آیا می‌توان انتظار داشت آمریکا از نفوذ افزایش یافته خود در منطقه در جهت لیبرالیزه کردن رژیم‌های حاشیه خلیج فارس گام بردارد؟

جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا در جریان نخستین سفرش به کویت پس از بیرون راندن عراق از این کشور از امیر کویت خواست بیشتر مراقب رعایت حقوق بشر باشد. این موضع گیری بیکر پس از افشای یک سلسله حقایق مربوط به جنایات حکومت کویت علیه فلسطینی‌ها در انکار عمومی غرب صورت گرفت. از این ژست آمریکا هفته‌ها گذشته است. دولت کویت نه تنها به تعقیب و سرکوب شهروندان کویتی و خارجی به اتمام هواداری از عراق پایان نداده، بلکه اخیراً حکومت نظامی را به مدت یک ماه دیگر تمدید کرده است. به درخواست‌های مکرر اپوزیسیون کویت برای گشودن فضای سیاسی از جانب امیر کویت و دولت‌ش با بی‌اهتمالی برخورد می‌شود. این در حالی است که چه قبل از بیرون راندن عراق و چه هم‌اکنون، آمریکا از ابزارهای کافی برای تأثیر گذاری بر سیاست دولت کویت برخوردار است. احیای بی‌گم و کاست حکومت قرون وسطایی شیخ کویت، بازی بی‌شرمانه آمریکا با سرنوشت کردها و سایر مردم عراق در آخرین روزهای جنگ و پس از آن و زد بند آمریکا با حافظ‌اسد و سپردن لبنان به این صدام حسین «خوب»، همه نشان می‌دهد که آمریکا دموکراسی و حق تعیین سرنوشت را برای ملت‌های منطقه نمی‌خواهد. در حالی که مثلاً شرایط آمریکا را لاین به ایالات متحده اجازه می‌دهد «خطرات» احتمالی ناشی از دمکراتیزه شدن نسبی کشورهای آن قاره را برای دستیابی به اهداف استراتژیک و درازمدت‌تر خود بپذیرد، نفت و موقعیت ژئوپولیتیک خاورمیانه، به عامل «ثبات» و «امنیت» در سیاست آمریکا در این منطقه وزن ویژه‌ای می‌بخشد. اگر یک پارلمان فرضی در کویت به این فکر بیفتد که منابع ملی این کشور را به قیمت نازل و در ابعاد نامحدود به معرض تاراج قرب نگذارد، ضری که متوجه آمریکا می‌شود بسیار بیشتر از بی‌آبرویی دفاع از یک حکومت قرون وسطایی است. شرایط ایجاد شده پس از جنگ خلیج فارس، با دامن زدن به امیدهایی برای حل سایر مسائل منطقه از سوی کسانی که هنوز نسبت به ماهیت «نظم نوین جهانی» دچار توهمند، همراه شده است. سفرهای پی‌پی جیمز بیکر به کشورهای خاورمیانه، و موشگویی اولیه سرسختی اسرائیل، به این توهم دامن می‌زنند. اما واقعیت این است که برای فلسطینی‌ها، هیچگاه شرایط دستیابی به اهداف ملی‌شان به دشواری موقعیت کنونی نبوده است. جنگ خلیج فارس تا حد زیادی دستاوردهای انتفاضه در عرصه سیاسی و دیپلماتیک را خنثی کرد. رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین که توانسته بود تا کنون بر اهم انتفاضا، اقدام به اعلام موجودیت دولت در تبعید کند و از دسامبر ۱۹۸۸ وارد مذاکره با آمریکا شود، با موضعگیری به سود صدام حسین بهانه به دست نیروهای راستگرای اسرائیل و حامیان غربی‌اش داد که مشروعیت ساف به مثابه نماینده قانونی ملت فلسطین و یک طرف جدی برای مذاکرات صلح را زیر علامت سؤال ببرند. نباید فراموش کرد که اگرچه سرزنش رهبری ساف بابت این خطای سیاسی، بسیار ساده است، شرایطی در تنگنا قرار دادن ساف و ایجاد زمینه چنین خطایی، پیش از آغاز بحران خلیج فارس فراهم آمده بود. آمریکا دو ماه پیش از بالا گرفتن تشنج میان عراق و کویت، مذاکره با ساف را بهانه حمله تفرجام گروه ابو عبّاس به سواحل اسرائیل قطع کرد. این در حالی بود که رهبری ساف حاضر به پذیرش موجودیت اسرائیل شده بود. در مقابل، اسرائیل هیچگونه نرمشی نشان نداد.

دولت ائتلافی لیگود و حزب کارگر جای خود را به یک دولت یکپارچه دست‌راستی داد. آریل شارون، سیاستمدار افراطی ضد فلسطینی در مقام وزارت مسکن مسئول شعرک‌سازی در مناطق اشغالی شد. نیروهای امنیتی اسرائیل موج جدید اعتراضات فلسطینی‌ها پس از کشتار کارگران فلسطینی در نزدیکی تل‌آویو در ۲۵ ماه مه ۱۹۹۰ را به شدت سرکوب کردند. همه این عوامل دست بدست هم دادند و بسیاری از فلسطینی‌ها را به این نتیجه رساندند که هر چه رهبری آنها در مقابل اسرائیل و حامیانش از خود انتظاف بیشتری نشان می‌دهد، طرف دیگر سرسخت‌تر می‌شود. پس از اشغال کویت

لبنان: شدیدترین حمله هوایی

اسرائیل از سال ۸۲

بقیه از صفحه اول

می کند که دولتهای دمشق و بیروت هملا در همه امور سیاست خارجی مشی واحدی در پیش بگیرند.

در منطقه‌ای که مورد حمله اسرائیل قرار گرفت، اکثر چریکهای فلسطینی که شمار آنها در لبنان به ده هزار تن می رسد، مستقرند. به ادعای نظامیان اسرائیلی طی این حمله پایگاههای جبهه خلق و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین تخریب شدند.

بمباران شرق صیدا باعث فرار اهالی منطقه به شهر صیدا شد.

بدنبال حملات اسرائیل، شورای فرماندهی نظامی سازمان آزادیبخش فلسطین در صیدا تشکیل جلسه داد تا درباره تشدید اوضاع در منطقه به مشورت بپردازد.

علاوه بر حملات هوایی اسرائیل، شبه نظامیان مورد حمایت اسرائیل، موسوم به ارتش جنوب لبنان، در منطقه تحت اشغال خود دست به تحرکاتی با تانک زدند. طی این تحرکات، میان این نیروها و چریکهای

مفته گذشته اسرائیل به جنوب لبنان، شدیدترین حمله از این نوع از جنگام تهاجم گسترده اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ تاکنون بوده است. در عملیات اسرائیلیها مجموعه ۳۵ هواپیمای جنگی شرکت داشتند. حمله اسرائیل درست در نهمین سالگرد تجاوز این کشور به لبنان در سال ۱۹۸۲ صورت گرفت. در روز ۱۳ خرداد نیز نیروی هوایی اسرائیل طی یک حمله به جنوب لبنان سدهنفر را به قتل رساند و یازده نفر را مجروح کرد.

حمله هوایی اسرائیل که با جنگندههای اف-۱۶ صورت گرفت، سه ساعت به طول انجامید. هواپیمای اسرائیلی بر منطقه‌ای در شرق بندر صیدا بمب و موشک ریختند. صدها انفجارها در شهر صور که ۴۵ کیلومتر با صیدا فاصله دارد، شنیده می شد. حمله اسرائیل تمام طول جبهه جنوب لبنان را در بر گرفت. یک روز قبل از حمله اسرائیل، قرار داد همکاری نظامی و سیاسی میان لبنان و سوریه به امضای رسیده بود. این قرار داد پیش‌بینی

فلسطینی تبادل آتش صورت گرفت.

وزیر خارجه لبنان حملات اسرائیل را تلاشی برای به تعویق انداختن کنفرانس صلح منطقه‌ای دانست.

حمله هوایی ۱۴ خرداد اسرائیل، نهمین حمله به جنوب لبنان از آغاز سال ۱۹۹۱ بود. در هشت حمله قبلی مجموعاً ۲۸ نفر کشته و بیش از ۱۰۰ تن مجروح شده بودند.

مطبوعات اسرائیلی گزارش دادند اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل حاضر به پذیرش درخواست جرج بوش رئیس جمهور امریکامبنی بر نشان دادن انعطاف بیشتر در روند صلح خاورمیانه نیست. جرج بوش از شامیر خواسته بود که اسرائیل با شرکت سازمان ملل در کنفرانس صلح و تشکیل جلسات منظم کنفرانس موافقت کند. شامیر در پاسخ بوش گفته است: "ما مواردی را بسیار ممانعیم".

در خواست بوش طی نامه‌ای با شامیر در میان گذاشته شد. در حالی که اسرائیل با حضور سازمان ملل در کنفرانس صلح مخالف است و تشکیل جلسات منظم این کنفرانس را رد می کند، سوریه این دو مورد را به شرط حضور خود در کنفرانس تبدیل کرده است.

اسحاق شامیر روز دوشنبه ۱۳ خرداد مدعی شد روند صلح در خاورمیانه هنوز متوقف نشده است. وی در کمیته دفاع پارلمان

اسرائیل گفت: "ما مایلیم که این روند پیش رود... اما روشن است که در راه صلح، میان بوش و وجود ندارد." شامیر افزود که اسرائیل اعلام آمادگی کرده است اگر پس از مذاکرات مستقیم صلح با اعراب قرار دادهایی به امضا رسد، این قرار دادهای نزدیک سازمان ملل متحد به ثبت رسد. این، حداکثر نقشی است که اسرائیل حاضر است برای سازمان ملل بپذیرد.

شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس از طرح جرج بوش برای کنترل تسلیحات در منطقه خاورمیانه استقبال کردند.

طرح جرج بوش که چندی پیش ارائه شد، پیش‌بینی می کند که کشورهای خاورمیانه از داشتن تسلیحات اتمی، بیولوژیک و شیمیایی چشمپوشی کنند. وزیر خارجه عربستان، امارات متحده تالشجای واشنگتن برای حل "همه جانبه و عادلانه" اختلاف اعراب و اسرائیل و مسئله فلسطین بر مبنای قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل حمایت کرده و خواهان تشکیل هر چه سریع تر کنفرانس صلح شدند. وزیر خارجه شورای همکاری خلیج فارس در اجلاس خود در عربستان که پشت درهای بسته برگزار شد، همچنین درباره موضوع ساختارهای نوین امنیتی در خلیج فارس پس از جنگ و تنش ایران به مشورت پرداختند.

به گفته ریچارد چنی وزیر دفاع امریکاین کشور در صدد است به امارات متحده عربی و بحرین

حلی کوپترهای جنگی بفرود. قرار است ۲۰ حلی کوپتر از نوع "آپاچی" به امارات و شش فروند به بحرین فروخته شود. این در حالی است که جرج بوش اخیراً طرحی برای کنترل تسلیحات در منطقه خاورمیانه ارائه کرد. درست یک روز پس از اعلام طرح جرج بوش، وزیر دفاع امریکای سفری به اسرائیل خیر داد که امریکا ده فروند جنگنده اف-۱۵ به اسرائیل خواهد داد. وزیر دفاع امریکا مدعی شد میان طرح صلح سلاح بوش و فروش تسلیحات امریکایی به کشورهای منطقه تناقضی وجود ندارد.

منابع دولت امریکاکتفانامه بوش به سران سوریه، مصر، اردن و اسرائیل که طی آن رئیس جمهور امریکا پیشنهاد کرد کنفرانس صلح خاورمیانه هر شش ماه یک بار تشکیل جلسه دهد، احتمالاً آخرین تلاش واشنگتن برای نزدیک کردن مواضع دو طرف خواهد بود. جیمز بیکر وزیر خارجه امریکا طی چهار سفر پیاپی به منطقه نتوانست میان مواضع اسرائیل و سوریه در مورد ترکیب کنفرانس صلح و مدت اجلاس آن، سازشی ایجاد کند. اسرائیل می خواهد کنفرانس صلح به سطح یک مراسم افتتاح مذاکرات جداگانه اسرائیل با هر یک از کشورهای عرب تیزل یابد و پس از کنفرانس، گفتوهای صلح تنها در چارچوب مذاکرات دو جانبه ادامه یابد. سوریه خواهان آن است که کنفرانس صلح هر موقع که ضرورت یابد مجدداً

تشکیل جلسه دهد. رادیو اسرائیل گزارش داد جرج بوش می خواهد در صورت عدم حصول توافق در مورد چگونگی تشکیل کنفرانس صلح، راساً اقدام به برگزاری این کنفرانس در واشنگتن کند و با دعوت از روسای دولتهای اسرائیل و اعراب، آنها را در برابر عمل انجام شده قرار دهد.

ملک حسین پادشاه اردن طی مصاحبه‌ای گفت وقت آن رسیده است که "جهت تامین صلح برای نسل‌های آتی با رهبران اسرائیل رودررو مذاکره شود." بدنبال این اظهارات، داوید لدوی وزیر خارجه اسرائیل از پادشاه اردن دعوت کرد برای مذاکره با اسرائیل به این کشور سفر کند. با این حال مقامات دولت اردن گفتند این دعوت ترفندی بیش نیست و ملک حسین آن را نخواهد پذیرفت.

ایالات متحده کار ایجاد انبارهای اسلحه در اسرائیل و در منطقه خلیج فارس به منظور ذخیره کردن تسلیحات برای یک جنگ احتمالی در منطقه را آغاز کرده است. این انبارها در اسرائیل، امارات متحده عربی، کویت و عربستان سعودی در دست ساختمان است و طرح ایجاد انبارهای مشابهی نیز در عمان و بحرین تهیه شداست.

هندوستان در آزمون حیات

از منصور

ضعیف تر از گذشته شده است و علاوه بر این می گوید به جرگه کشورهای "متمدن" وارد شود، یک خطر بالقوه برای "نظم نوین" می شناسد. برای واشنگتن مهم است که در جنوب ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک ایران و شوروی، رژیم بی ثبات و ضد کمونیست مستقر باشد. ژینگنیو برژنفسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور امریکا در دوره زمامداری کارتر، پنج سال پیش، یعنی زمانی که هنوز ماجرای ایران گیت فاش نشده بود، خمینی زنده و جمهوری اسلامی دشمن اعلام شده امریکا بود. استراتژی ایالات متحده در قبال ایران را در کتاب "چگونه باید مبارزه امریکا و شوروی را پیش برد" اینگونه تشریح کرده است:

"علیرغم خصوصیت رسمی ایران با ایالات متحده، این واقعیت به جای خود باقی است که ایران در دراز مدت حداقل به حمایت غیرمستقیم امریکا برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی خود نیازمند است. احتمالاً پس از مرگ خمینی و کشاکش اجتناب ناپذیر سیاسی، یک روند عادی سازی تدریجی به وقوع خواهد پیوست.

ایالات متحده باید به روشنی آمادگی خود را برای بهبود روابط امریکا و ایران نشان دهد زیرا منحصت امریکا در یک ایران مستقل حتی خصوصیت فعلی ایران را نیز تحت الشعاع قرار می دهد. این منحصت امریکا از اهمیت ژئوپلیتیک یک کشور کلیدی در مبارزه امریکا و شوروی نشأت می گیرد و نباید تابع احساسات گذرا باشد. متحدان امریکا در اروپای غربی و ژاپن باید پیوندهای غیرمستقیم خود با ایران را حفظ کنند. این پیوندها به جلوگیری از فروپاشی اقتصاد ایران کمک می کند و چشم انداز چرخش به سوی تعدیل در ایران را زنده نگه می دارد. اگر این پیوندها فعلاً حفظ شود، ناسیونالیسم ضد روسی و احساسات مذهبی ضد کمونیستی ایران، و نیز تمایل آن به رشد اقتصادی، دیر یا زود تهران را به سمت یک رابطه نزدیک تر با غرب سوق خواهد داد."

سیاست خارجی ملی به چه معناست؟

مجموعه شرایطی که در اینجا به طور خلاصه بر شمرده شد، نشان می دهد که غرب و به طور ویژه امریکا در منطقه ما در پی ایجاد و تحکیم آنچه آن "ثبات" و "امنیت" می هستند که جریان نفت ارزان را تضمین کند و مانعی در برابر تحقق استراتژی نظام جهانی آنها نباشد. این "ثبات" و "امنیت" مغایر با منافع ملی کشورهای منطقه ما از جمله ایران است. انتقاد از سیاست خارجی ماجراجویانه رژیم جمهوری اسلامی در دوره خمینی نباید این واقعیت را بپوشاند که میان منافع ملی ایران و همه آنچه به کارگردانی امریکا در منطقه ما جریان دارد، تضادهای واقعی وجود دارد. مردم ایران هیچ منفعتی ندارند که به گروهبندی نظامی یا

بقیه در صفحه ۲

سوسیالیست انقلابی و جبهه پیشرو و نیروهای غیرمذهبی دمکرات جاناتا دال به رهبری وی. پی. سینگ که در جبهه چپ و ملی ائتلاف کرده اند برای وحدت ملی، علیه نیروهای تجزیه طلب، برای مناسبات برادرانه و دوستانه بین فرقه های مذهبی - ملی، علیه نیروهای تفرقه انداز فرقه ای، برای دمکراسی علیه اقتدار طلبی و برای رابطه مناسب و درست بین دولت مرکزی و دولتهای محلی بر اساس وحدت فدرالی آنها و با خودمختاری گسترده برای دولتهای محلی و دیگر ارزشهای دمکراسی نوین مبارزه می کنند. در طرف دیگر حزب کنگره (ای) و حزب مردم هندوستان وجود دارند که در این انتخابات شرکت می کنند. حزب کنگره (ای) به رهبری راجیو گاندی سابقه ای طولانی در حمله مداوم به دمکراسی دارد و همداست برای حکومت تک حزبی تقلا می کند. حزب کنگره (ای) با دفاع صوری از حکومت لائیک حرکتی موثر علیه نیروهای جدایی طلب و فرقه گرایی مذهبی - ملی نکرده است و حتی حربه های مذهبی - ملی بطور وسیع استفاده نموده است. حزب مردم هندوستان BJP حزبی است که بر ایدئولوژی حکومت مطلقه هندوها استوار است و با محلول طکر دن مذهب باسیاست آب به آبشخور نیروهای جدایی طلب پنجاب و کشمیر می ریزد. این حزب خواهان محدود شدن حقوق اقلیتهای مذهبی - ملی هندوستان می باشد.

عاجل ترین و مهم ترین مسئله کنونی، وحدت و تمامیت هندوستان می باشد که تنها با خنثی کردن توطئه های جدایی طلبان و فرقه گرایان و تقویت و دفاع پیگیر از دمکراسی و عقب راندن نیروهای اقتدار طلب نرفته است.

پانزده ماه پیش دولت کنگره (ای) با خاطر هدم توانایی در حل مسئله پنجاب و آسام، ر شود خواری وسیع در بالاترین سطوح دولتی، افزایش سرسام آور تیمتھا و حل رابطه، مرکز و دولتهای محلی بعد از سالها انحصار قدرت، نتوانست در انتخابات اکثریت لازم را برای تشکیل دولت بدست آورد. لذا جبهه ملی به رهبری وی. پی. سینگ توانست دولت خودش را بدون شرکت ملی با حمایت گسترده احزاب چپ و حزب مردم هندوستان روی کار آورد. ولی بعد از مدتی حزب مردم هندوستان با حمایت کامل از احزاب مذهبی ویشوا هندو پرساد (VHP) راهپیمائی طولانی برای خراب کردن ساختمان مسجد بابر در شهر آبودیا و بنا کردن معبد هندو در همان محل راه انداخت که امیدوار بود چون دولت

وی. پی. سینگ به حمایت این حزب احتیاج دارد جلوی این راهپیمایی فرقه گرایانه را نخواهد گرفت. وی. پی. سینگ با رجمیت دادن به مصالح ملی جلوی این راهپیمایی را گرفت و همین امر باعث قطع حمایت حزب راستگرای مردم هندوستان از دولت وی گردید. بنابر این دولت وی. پی. سینگ بعد از یازده ماه بدلیل از دست دادن اکثریت پارلمانی مجبور به کناره گیری شد و جای خود را به دولت چاندراشکار داد که فقط از حمایت حزب کنگره (ای) برخوردار بود.

در طول یازده ماه حکومت جبهه ملی قدمهای مثبتی در جهت تعمیق دمکراسی برداشته شد. برای اولین بار دولت مرکزی سازمانهای توده ای را در سیاستگزاری مربوط به بخشهای اجتماعی ایی که متعلق به آن سازمانها بود دخالت داد. سهم گیری کارگران در مدیریت کارخانه ها را قانونی نمود. قانون اصلاحات ارضی را در طرح نهمین دوره بررسی قانون اساسی گنجانده زمین داران بزرگ دیگر قادر به متوقف کردن این اصلاحات با توسل به دادگاه نباشند. باصل حق کار بصلوان یک حق اساسی هر شهروند در قانون اساسی موافقت کرد و در راه آن اقدامات اولیه را آغاز نمود. شرایط مربوط به روابط بین دولت مرکزی و دولتهای محلی را بهبود بخشید و شورای دولت محلی را برای حل و فصل مسائل ایالتی و مسائل بین دولت مرکزی محلی رسماً قانونی کرد. قانونی را به تصویب رساند که بر اساس آن استقلال رادیو و تلویزیون محرز شد و همچنین قانون رفرملی اجتماعی بر اساس انتخابات را نیز به تصویب مجلس رساند.

حکومت چاندراشکار نه تنها این تحولات را تعمیق نداد بلکه نتوانست راه حلی مناسب برای مشکلات و مسائل جدید هندوستان ارائه دهد. همچنین چندین وزیر پیشنهادی اش برای تشکیل دولت پی در پی از طرف پارلمان برای عدم صلاحیت روبرو شدند که بعد از چهار ماه بدون هیچ عملکردی مجبور به کناره گیری از دولت شد.

در حال حاضر مردم هندوستان راهی سخت در پیش رو دارند. این راجدا از اینکه کدامیک از این سه نیروی همده سیاسی بتوانند رای اکثریت را بگیرند و دولت تشکیل دهند، راهی پرپیچ و خم است. انتخابات ماه می آزمون برای دمکراسی، عدالت، وحدت، فدرالیسم گسترده تر، پیشرفت و ثبات هندوستان می باشد. چنانچه نیروهای راستگرا و فرقه گرا روی کار آیند احتمال پاره پاره شدن هندوستان بی اندازه تقویت می شود و اگر نیروی های اقتدار طلب روی کار آیند دمکراسی هر چه بیشتر محدود میشود و اگر جبهه چپ و ملی دولت تشکیل دهند باز هم نمی توان اطمینان داشت که هلیرقم تعمیق یافتن تحولات دمکراتیک، ثبات لازم با توجه به تحریکات خارجی و اقدامات فرقه گرایانه و تجزیه طلبانه، به کشور باز خواهد گشت.

آیا خاورمیانه زیر سلطه مطلق غرب می رود؟

سمرآب مبشری

برای مبارزه استقلال طلبانه ملت‌ها بگشاید. تا وقتی این دو قطبی بودن خاورمیانه ادامه داشت، آمریکا و متحدانش در پیشبرد استراتژی خود به موانع جدی برمی‌خوردند. حتی در سال ۱۹۸۳، زمانی که اگر بگذریم کافی بشمار بودی، می‌توانستی افول قدرت شوروی را در افغانستان ببینی، آمریکا، اسرائیل، انگلیس و فرانسه نتوانستند لبنان را تحت کنترل خود نگه دارند. تجاوز سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان شکست خورد و حامیان غربی اسرائیل نیز یک سال بعد پس از تحمل تلفاتی ناچار به ترک لبنان شدند. خلا قدرت در این کشور کوچک، آن را به منطقه نفوذ سوریه تبدیل کرد، سوریه‌ای که در آن زمان هنوز مورد فحش آمریکا بود.

اما در طول سی سال حضور فعال شوروی در منطقه، موفقیت‌های این چنینی برای مسکو و متحدانش انگشت شمار بودند. اگر توفیق‌های اندکی را که نصیب شوروی و هم پیمانانش در منطقه شده با حجم کمک‌های هنگفت تسلیحاتی و اقتصادی سی ساله مسکو به کشورهایمانند عراق، سوریه، مصر، یمن جنوبی و افغانستان مقایسه کنیم، در می‌یابیم که بازده این فعالیت برای شوروی و متحدانش ناچیز بوده است. اسرائیل در سه جنگ اول خاورمیانه (۱۹۴۸، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷) چند برابر خاک خود اراضی اعراب را اشغال کرد، و علیرغم موفقیت نسبی اعراب در جنگ چهارم (۱۹۷۳)، هنوز کرانه غربی رود اردن، نوار فزه، بلندی‌های جولان، بیت المقدس شرقی و جنوب لبنان را در تصرف خود دارد. اکثر کشورهای نفت خیز منطقه تحت حکومت فرمانروایان تا مغز استخوان وابسته به آمریکا و غرب قرار دارند. رژیم‌های مورد حمایت شوروی در مصر، عراق و سوریه بسیار نامطمئن از کار درآمدند، و جنگ داخلی افغانستان منابع انسانی و مالی شوروی را بلعید بدون اینکه مرزهای جنوبی جمهوری‌های آسیایی را مطمئن تر کند.

اکنون، سی سال حضور فعال اما در مجموع ناموفق شوروی در منطقه پایان یافته است. در پایان این دوره سی ساله که با کمک تسلیحاتی به مصر در جنگ ۱۹۵۶ آغاز شد، به مواضع شوروی در منطقه ضربات کاری وارد آمد:

• نیروهای شوروی پس از ده سال جنگ خونین با شورشیان افغانی بدون دستیابی به اهداف نظامی خود ناچار به عقب نشینی شدند.

• در سال ۱۹۸۶ دو جناح تنها دولت مارکسیست عرب در یمن جنوبی به جان هم افتادند. تجربه "سوسیالیسم" در یمن جنوبی با وحدت دو یمن خاتمه یافت.

سیاست خارجی جدید شوروی، متضمن دست کشیدن از تلاش برای ایجاد یک تعادل نظامی و استراتژیک با آمریکا در خاورمیانه است. شوروی به سوریه همانند است که دیگر نمی‌تواند از هدف حافظه‌ساز مبنی بر دستیابی به "توازن استراتژیک" با اسرائیل از طریق انباشتن اسلحه حمایت کند. تحریم اسرائیل از جانب شوروی که در سال ۱۹۶۷ آغاز شد، بدون اینکه علل این تحریم از میان برود، پایان یافت. شوروی از پایان ۱۹۸۹ بدین سو به بنیه در صدمه ۸

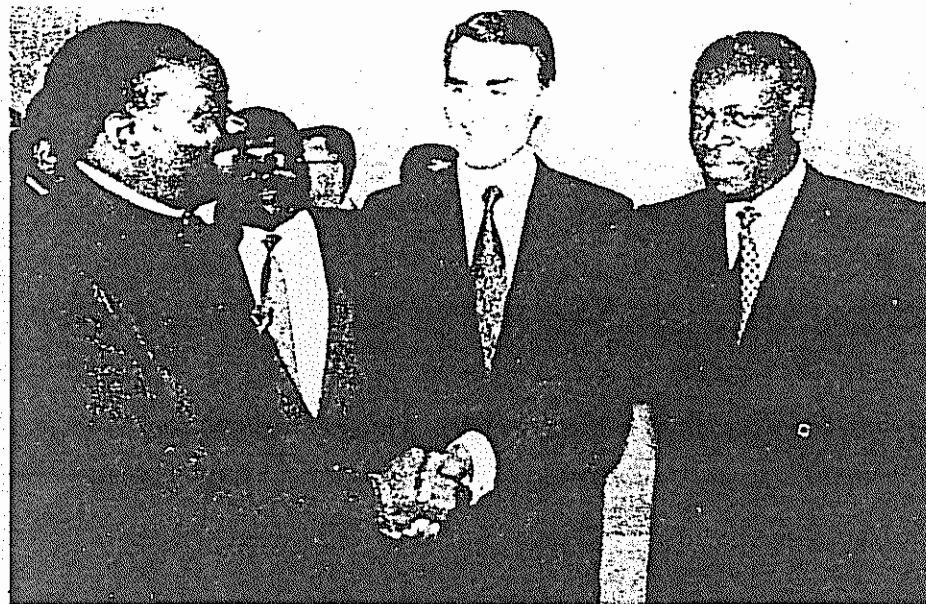
نخستین ثمره پایان دوره تعادل دو قطبی جهان برای منطقه خاورمیانه، جنگ خلیج فارس و هوانا آن بود، جنگی که در آن غرب تحت رهبری ایالات متحده به همه اهداف خود دست یافت. اگر داوری خود درباره چشم‌انداز تحولات خاورمیانه پس از پایان جنگ سرد را بر جنگ آمریکا و صدام و نتایج آن استوار کنیم، برای منطقه خود آینده روشنی نمی‌بینیم. در صورتی که روندهای آتی در منطقه، ادامه منطقی جنگ بر سر کویت باشد، خاورمیانه به سوی تبعیت از قواعد و قانونمندی‌های یک جهان تک قطبی می‌رود. عوامل زمینه‌ساز این روند از یک سو، و موانع آن از سوی دیگر، کدامند و عواقب چنین روندی برای ملت‌های منطقه چیست؟ به نظر می‌رسد وقت آن فرا رسیده است که برای جهت‌یابی درست در شرایط تحول یافته جهان و منطقه، بر اساس جمع‌بندی تحولات سال‌ها و ماه‌های اخیر و تحلیل وضعیت لحظه، به درک مشخصی از امکانات و وظایف نیروهای ملی به طور عام و چپ به طور خاص برسیم. مقاله حاضر اهدافی جامع بودن ندارد و صرفاً گوشه‌ای است برای گشودن یک بحث. در عین حال این مقاله حاوی نظر روشن نگارنده درباره مسائل منطقه و الزامات یک سیاست ملی در قبال این مسائل است. به نظر من این بحث باید در دستور کار کنگره دوم سازمان قرار گیرد. انتظار می‌رود در فضای صاحب نظر فعال تر از گذشته با مسائل منطقه برخورد کنند.

حذف شوروی

به مثابه ابر قدرت

آخرین حربه از زنجیر تحولات در برگیرنده حذف شوروی به مثابه یک ابر قدرت از صحنه سیاست منطقه، سقوط یک متحد دیگر مسکو در همسایگی بلا فصل خاور میانه بود. رژیم منگستو جایل مریم در اتیوپی طی نمایشی که در آن آمریکا حتی نیازی به پنهان نگه داشتن نقش کارگردانی خود ندید، سرنگون شد. دولت آدیش آبابا پس از فرار دیکتاتور حتی یک هفته هم دوام نیاورد. آمریکا که اطلاعات دقیق تری از حد پوشیدگی و تزلزل دولت و ارتش اتیوپی داشت، به شورشیان که پشت دیوارهای پایتخت منتظر مانده بودند، "توصیه" کرد برای "برقراری نظم و آرامش" وارد شهر شوند. شورشیان طی یک عملیات چندساعته آدیس آبابارا تصرف کردند. سرنوشته بزرگترین ارتش آفریقا و مهم‌ترین هم پیمان شوروی در این قاره، به همین سادگی رقم خورد.

خاورمیانه حدود سی سال به طور روشن مچر و نشان دو قطبی بودن جهان را بر خود داشت. هر یک از دو ابر قدرت، متحدان پایدار یا کمتر پایدار خود را در منطقه داشتند. نیروهای ملی با استفاده از رقابت میان آمریکا و شوروی، گاه به موفقیت‌هایی دست می‌یافتند. هر چند شوروی در همه موارد متحد مطمئن برای جنبش‌های ملی و دمکراتیک نبود، اما صرف حضور آن در سیاست منطقه می‌توانست مجالی



بعد از ۳۰ سال در آنکولا صلح برقرار شد. دیرپایان هفته گذشته قرار داد صلحی بین ادواردو سانتوس رئیس جمهور آنکولا و یوناس ساویمبی رهبر شورشیان یونیتا به امضای رسید. و به این ترتیب جنگ داخلی ۱۶ ساله آنکولا که به دنبال ۱۴ سال مبارزه مسلحانه علیه استعمارگران پرتغالی در گرفته بود به پایان رسید. صدها هزار نفر، امضای این قرار داد صلح را در لوئدا جشن گرفتند.

از گزارش کمیسیون دفاع از حقوق بشر در آمریکا مرکزی

نقض خشن حقوق بشر و سقوط قدر دناک اقتصادی

خود در آمریکا مرکزی جند تغییر ساختار این کشورها و انطباق بیش از پیش آنها با منافع خود را پیش می‌برند.

خانم میرنا آتایا یکی از اعضای کمیسیون، سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را مسبب بوجود آمدن اختلالات اجتماعی جدید می‌خواند که نمونه‌های آن در بیکاری‌های وسیع اخیر در پاناما و کاستاریکا دیده می‌شود.

نمایندگان کشورهای عضو سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) نیز در سانتیاگو پایتخت شیلی خواهان ادامه روند دمکراتیزه شدن و مقابله جدی با فقر و فلاکت اجتماعی شدند.

در اجلاس سالانه سازمان مزبور، بیانیه‌ای به تصویب رسید که در آن ذکر شده است همه کشورهای عضو خواهان ایجاد یک سیستم امنیتی و از بین بردن سلاح‌های محو جمعی اند بیانیه که به عنوان "وظایف برای دفاع از دموکراسی و توسعه سیستم جهانی" منتشر شده دفاع از روند دمکراتیزم و اجرای حقوق بشر را به عنوان پیش شرطی برای رسیدن به ثبات سیاسی، پیشرفت اجتماعی و صلح ضروری میدانند.

خشن حقوق بشر در آمریکا مرکزی به ویژه در گواتمالا، السالوادور و هندوراس نیز گزارش داده است.

کمیسیون در بخش دیگری از گزارش خود به "سقوط در دناک" اقتصادی کشورهای آمریکا مرکزی که مسبب آن را نیز سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی خوانده است، اشاره می‌کند. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی در سیاست‌های

با وجود اینکه در برخی از کشورهای آمریکا لاتین مانند گواتمالا و السالوادور تلاش‌ها و اقداماتی برای برقراری صلح پی‌گیری می‌شود، کشورهای منطقه مزبور، در معرض حقوق بشر، و وضعیت اقتصادی و اجتماعی با مشکلات تکرار کننده و خطرناکی روبرو هستند. کمیسیون حقوق بشر در آمریکا مرکزی در سان خوزه پایتخت کاستاریکا ضمن اعلام چنین ارزیابی در گزارش خود از نقض

هندوستان

در آزمون حیات

این کشور پانزده ماه بعد از آخرین مروری می‌کنیم.

پانزده ماه بعد از آخرین انتخابات مجلس هام، مردم هندوستان یکبار دیگر مجبورند در یک انتخابات مهم دیگری شرکت نمایند. انتخابات مجلس هام و چند مجلس ایالتی برای نیمه دوم ماه می سال ۱۹۹۱ برنامه ریزی شده است. میلیونها نفر برای دهنده برای اینکه یکی از سه نیروی عمده سیاسی - حزب کنگره (ای)، حزب مردم هندوستان و جبهه چپ و ملی رابه کرسی نشانند بطرف صندوق‌های رای گیری خواهند رفت.

این انتخابات از زمانی برگزار میشود که مردم و کشور هندوستان با بحرانی همه جانبه دست به گریبانند. وحدت و تمامیت هندوستان که بامبارزه‌های چند ساله علیه استعمار و با قربانی دادن بیشمار بدست آمده بود، در معرض تهدیدی جدی از طرف نیروهای جدایی طلب و فرقه‌گرای مذهبی - ملی است. وحدت مردم هندوستان با تمامی پیچیدگی و بفرنجی اجتماعی‌اش - چند زبانی، چند مذهبی و تنوع آداب و سنن فرهنگی - که طی سالهای سال حفظ شده بود، هم اکنون توسط هیولای فرقه‌گرایی تهدید

توضیح: این مقاله قبل از ترور راجیو گاندی تهیه شده و با تاخیر به دفتر نشریه رسیده است.

هندوستان یکی از کشورهای مهم منطقه آسیای خاوری، یکی از بنیانگذاران جنبش عدم تعهد و یکی از کشورهای اصلی این جنبش می‌باشد. نورم‌ها و نهادها و دمکراتیک بطور وسیع در این کشور وجود دارند که توجه وسیعی را هم به لحاظ سیاسی و مسائل بفرنج این جامعه و هم به لحاظ مبارزه برای دمکراسی گسترده بخود جلب کرده است.

طی سالهای اخیر هندوستان دچار بحران وسیعی شده است. در این بحران اقتصادی - سیاسی، سیاستهای ماجراجویانه و خرابکارانه خارجی و سیاستهای تجزیه طلبانه و فرقه‌گرایانه اجزای راست و رقابت‌های انتخاباتی بی مورد بعضی احزاب دیگر نقشی عمده دارند. طی دوساله گذشته دولتهای مختلف یک به یک بطور زود هنگام برکنار شده‌اند.

مردم هندوستان در حال آماده کردن خود برای شرکت در انتخاباتی دیگر در ماه مه امسال هستند.

در زیر دلایل بر کناری این دولتها را ضمن برشمردن گوشه‌هایی از مسائل و مشکلات

دولت آلبانی استعفاداد

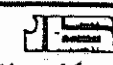
انجامید، ۳۵۰ هزار کارگر شرکت کردند. بر اثر اعتصاب، زندگی در آلبانی فلج شد. علاوه بر این، چند صد نفر از کارگران معادن دست بداعتصاب قذازده بودند. آنها نیز به اعتصاب غذای خود پایان دادند.

طبق توافق احزاب آلبانی، اعضای دولت جدید ائتلافی باید برای مدت عضویت خود در دولت، وابستگی خود به احزاب را به حالت تعلیق در آورند. در روز یازدهم فروردین ماه نخستین انتخابات آزاد پارلمان برگزار شد و در آن حزب کار آلبانی دو سوم کرسی‌ها را به دست آورد. حزب دمکرات آلبانی که تنها سه ماه پیش از آن اعلام موجودیت کرده بود، به ۷۵ کرسی از ۲۵۰ کرسی پارلمان دست یافت.

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپر پستی و یار سید بانگی بر داخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایند.

دیگر نقاط	اروپا	سه ماهه	۳۲ مارک	۳۹ مارک
		شش ماهه	۶۲ مارک	۷۶ مارک
		یک ساله	۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

KAR Vol.3 No.10 Wed. 12JUN 1991	 ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
حساب بانکی: Address: M.ABD RUZBEH NR-35263011 POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY	کد بانک: 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY